

مرده ده آنندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۸۳۷ ۱ تا ۱۴ مهر ۱۳۹۲

پاسخ به پرسشهای ایرانیان از
ابوالحسن بنی صدر

استقلال و آزادی را یکشنبه می توان جست؟

پرسش اول: آیا یک شبه می توان استقلال و آزادی را به دست آورد:

● پرسش: آیا استقلال و آزادی را یک شبه هم آورد؟ اگر شما از وام که پول نفت است استفاده نکنید دزدان از آن استفاده خواهند کرد. پس چه باید کرد؟

* در پاسخ به پرسش اول هموطن پرسش کننده باید گفت که نسبت استقلال و آزادی به یک انسان و به یک جامعه، نسبت تندرستی به او است. همانطور که حالت طبیعی بدن حالت سلامت است، حالت طبیعی انسان و جامعه نیز، حالت مستقل و آزاد است. به سخن دیگر، استقلال و آزادی، بمثابة دو حق، ذاتی حیات هر انسان و هر جامعه انسانی هستند. انسان و جامعه در حالت مستقل و آزاد، این ویژگی ها را دارند:

۱ - انسان و جامعه مستقل و آزاد، در زندگی قائم به فعالیتها و استعدادها و فضلهای خویش هستند و زندگی را عمل به حقوق خویش می گردانند. نه تنها متکی به خویش هستند، بلکه هر یک از فعالیتها آنها، ساخته و سازنده اند. کسی که کار می کند، کار او واقعیت دارد و حاصل کار او نیز واقعیت دارد. بخشی از آن صرف تجدید نیرو و بخشی دیگر مازاد و سرمایه می شود. اما کسی که ثروت خویش را می فروشد و با آن زندگی می کند، درآمد او، از تخریب پدید می آید و مصرفش هم ویرانگر است.

۲ - در حقیقت، زندگی انسان جز عمل به حقوق ذاتی او نیست. و به یمن عمل به حقوق ذاتی و فعالیتها، استعدادها و فضلهایش رشد می کنند. پس وقتی او در استقلال و آزادی زندگی می کند که زندگی عمل به حقوق است. بدین قرار،

در صفحه ۲

خلع سلاح شیمیائی؟

◀ توافق روسیه و امریکا بر سر اسلحه شیمیائی سوریه و ربط آن با سیاست امریکا

در مورد ایران: ص ۱

◀ برای نتیجه بخش شدن گفتگوها بر سر اتم، باید از تحریمها کاست

و یا بر آنها افزود؟ ص ۵

◀ تار عنکبوتی روابط شخصی که خانواده خامنه ای عامل اتصال آنها

به یکدیگر است: ص ۷

◀ «وزیران» عضو حکومت حسن روحانی چه سوابقی دارند؟ ص ۸

◀ داده های اقتصادی چون آئینه، وضعیت اقتصاد کشور را نشان می دهند: ص ۱۰

◀ رئیس جمهوری نمی تواند مانع سانسور حتی سانسور «وزیران» خود شود

و سرکوبها ادامه دارند: ص ۱۱

انقلاب اسلامی: در روزهایی که تهدید سوریه به جنگ شدت می گرفت، روشن بود که او با ما با کشیدن خط قرمز، خود را به تله انداخته است، کری، وزیر خارجه امریکا، گفت: رژیم اسد می تواند مورد حمله قرار نگیرد، هرگاه رژیم اسد اسلحه شیمیائی خود را زیر نظارت بین المللی نابد کند. درجا روسیه و سوریه پیشنهاد را پذیرفتند. طرحی را نیز روسیه و امریکا برای تسلیم به شورای امنیت تهیه کردند. فصل اول را به سوریه و نقش کشورهای منطقه و امریکا و اروپا در این کشور اختصاص می دهیم

در فصل دوم، خبرها و نظرها در باره راهکار مسئله اتمی ایران را گرد آورده ایم. در جمع، دو نظر وجود دارند: باید تحریم را کاست و اعتماد ایران را جلب کرد تا مشکل حل شود و باید فرصت را برای حمله نظامی به ایران مغتنم شمرد تا مصالحه ای از نوع مصالحه بر سر سوریه انجام نگیرد.

و در فصل سوم، قسمتی دیگر از تحقیق در باره شبکه تار عنکبوتی روابط شخصی خانواده خامنه ای و خانواده هائی که به این خانواده متصل هستند، درج می شود.

و در فصل چهارم، یکچند از «وزیران» روحانی معرفی می شوند. این معرفی برای این است که از هم اکنون دانسته باشد کسانی سرنوشت ایران را در دست گرفته اند که در خیانتها و جنایتها و فسادها، دستیار رژیم ولایت فقیه بوده اند.

و در فصل پنجم، داده های اقتصادی را آورده ایم که بسان آئینه، وضعیت اقتصاد ایران نشان می دهند. و در فصل ششم، خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را از نظر خوانندگان می گذرانیم:

توافق روسیه و امریکا بر سر اسلحه شیمیائی سوریه و ربط آن با سیاست امریکا

در مورد ایران:

از میان بردن زرادخانه اسلحه شیمیائی، مورد منحصر به فرد در جهان:

لوموند (۱۲ سپتامبر ۲۰۱۳) نظر ژان پاسکال زاندرس، محقق پیشین در مؤسسه مطالعات پیرامون امنیت اتحادیه اروپا و سازمان غیر دولتی ترنج (The Trench) و متخصص تسلیح شیمیائی و خلع سلاح شیمیائی را این سان نقل کرده است:

در صفحه ۳

نصر الله نجابتبخش

تقابل دکتربین ولایت فقیه با مطالبات اساسی مردم ایران - ۱۲

مشروعیت حکومت با خدا نیست؟

گفتیم ولایت مطلقه فقیه (بخوانید مطلقه زور) بنا به ادعای آقای خمینی بطور خلاصه عبارت است از:

- " از اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام شرعیه تقدم دارد و منحصر به خدا است "

- " ولایت انتخابی نیست، به اذن خداوند حاصل می شود و بر مردم است که از آن اطاعت کنند "

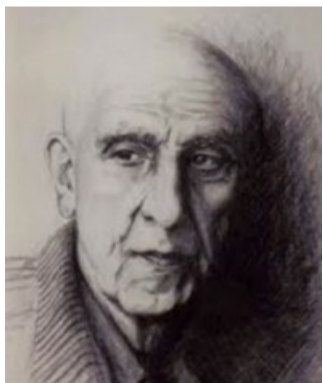
" مردم ناقص و ناکامل اند و ولی فقیه تعیین کننده قییم برای صغار و حاکم بر جان و مال و ناموس و ... آنهاست "

در صفحه ۱۵

«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و سی و یکمین

سالگرد تولد دکتر محمد مصدق

زندگینامه دکتر محمد مصدق (۸۶)



جمال صفری

مخالفت مصدق با فروغی و وثوق الدوله

در حکومت مستوفی الممالک

همانطور که در «زندگینامه مصدق - ۵» به مناسبت روی کار آمدن حکومت مستوفی الممالک و مخالفت مصدق با وزارت فروغی و وثوق الدوله و اوضاع سیاسی آن زمان بعد از تغییر سلطنت از «قاجار به پهلوی» آوردم که:

«پس از پایان انتخابات، دولت فروغی مستغفی و رضا شاه اول به سراغ دکتر مصدق رفت و به او پیشنهاد ریاست وزرای ایران را داد. دکتر مصدق جواب رد داد. او می گفت رضا شاه رئیس الوزراء را دولت به معنی دولت حقیقی نمی خواست. نظر او این بود که همه ماها را وارد کار کرده و به اسم ما و روی شهرت ما تمام اعمال غلط را انجام داده و پس از آن که همه را رسوای خاص و عام کرد، عذرمان را بخواد. همین معامله را دو مرتبه با فروغی و یک مرتبه با مرحوم مستوفی کرد، ولی من هیچ سودای ریاست و پروای معارضه با رضاشاه نداشتم از این رو عطایش را به لقایش بخشیدم. سپس شاه سراغ مستوفی رفته، او هم به اصرار مدرس و سایر وکلا نخست وزیری را قبول کرد، به شرط اینکه شاه از مجلس تقاضای رأی تمایل به نخست وزیری آینده را بکند. رضا شاه هم برای آخرین دفعه از این سنت پارلمانی که از زمان ناصر الملک مرسوم شده بود پیروی کرد. (۱)

و در هنگامی که «مرحوم مستوفی الممالک می خواست رئیس الوزراء بشود، به منزل من آمد و هر قدر اصرار کرد وزارت خارجه را قبول کنم، سرباز زدم. ایشان وارد کار شدند و پس از مدتی که اخلاقتان با دیکتاتوری نگرفت، از کار کناره گیری کردند.

در صفحه ۱۲



استقلال و آزادی را یکشنبه می توان جست؟

۱۵ - فریفتاری سخت مرگبار و ویرانگر دیگر که انسانها را از استقلال و آزادی و دیگر حقوق خویش، در معنائی که دارند و نه در معنائی که قدرت به آنها می دهد، این فکر غلط است که گویا اکثریت می تواند قدرت را از آن خود کند. قدرت تقسیم پذیر نیست تا بتوان آن را در اندازه های مساوی تقسیم کرد و میان تمامی اعضای جامعه توزیع کرد. در دموکراسی های لیبرال این فکر پذیرش همگانی هسته است که، به یمن انتخابات، اکثریت صاحب قدرت می شود. غافل از این که نه قدرت قابل تقسیم است و نه بدون تمرکز، وجود پیدا می کند. از این رو است که اکثریت خواه چپ و خواه راست باشد، اقلیت نخبه است که به خدمت قدرت درمی آید. و چون قدرت از راه تمرکز و بزرگ شدن برجا می ماند، دولت به خدمت قدرت (سرمایه داری) در می آید.

هرچند نقد مارکس بر دموکراسی لیبرال بجا است، اما دیکتاتوری پرولتاریا که او پیشنهاد می کند، بخصوص تصدی قدرت دولت توسط «حزب پیش آهنگ طبقه کارگر» که لنین پیشنهاد می کند، همچنان قدرت است که در جریان متمرکز و بزرگ شدن بکار می رود. حاصل کار استالینسم می شود. از این رو، دانش و فنی باید که انسان را از بندگی قدرت برهد: بیان استقلال و آزادی.

اگر ادگار مورن می گوید غرب در بن بست است زیرا توان یافتن و پیشنهاد اندیشه راهمائی را ندارد که انسان امروز را به حل مشکلات توانا کند، بدین خاطر است که بیان های یافته و بکار رفته، همه، بیان های قدرت بوده اند و هستند و انسان را در بندگی قدرت نگاه می دارند.

در بن بست، آن کوششهای علمی ارجمند هستند که دریافتن دانشی بکار می روند که به انسانها امکان دهد استقلال و آزادی خویش را باز یابند. اگر قدرت را می باید یکی داشته و دیگری نداشته باشد تا از رهگذر رابطه این دو، وجود پیدا کند، استقلال و آزادی، دو حقی هستند که وقتی همگان از آنها برخوردارند، رابطه قوا بی محل می شود. از این رو، حق و استقلال و آزادی و عدالت و... می باید تعریفهای خویش را در بیان استقلال و آزادی و به زبان آزادی، باز یابند تا که همگان شهروندان براسی حقوقمند بگردند. حاصل این که:

۱۶ - ارتباط مستقیمی وجود دارد میان اندیشه راهمنا و برقرار کردن رابطه با واقعیت و شناخت آن. اینک می دانیم که ذهن دانش پژوه بر یافته او اثر می نهد، گوئیم هر عقل، واقعیت را وقتی می بیند که بتواند بر آن محیط شود. پس، از واقعیت، هرا آنچه بیرون از قلمرو دید او قرار می گیرد را نمی بیند. تازه، بخشی از واقعیت را که در سپهرش دیده می گیرد، چنان می بیند که ساختار و نظام ارزشی اجازت داده شدنشان را می دهند. بدین قرار، هرگاه بنا بر ارتباط مستقیم با واقعیت و شناخت آن، همان سان که هست باشد، نخست عقل است که می باید از استقلال و آزادی خود بطور کامل برخوردار باشد. به سخن دیگر، از هر محدود کننده ای که احاطه او را بر واقعیت ناممکن سازد، رها باشد. این رهائی به موازنه عدمی را اصل راهمنا کردن میسر می شود.

بدین قرار، مشکل ناسازگاری ایدئولوژی با رابطه مستقیم برقرار کردن با واقعیت و شناخت آن همان سان که هست را باید حل کرد تا که دانش بمنابۀ شناخت واقعیت همان سان که هست و بکار بردن آن در کمال بخشیدن به استقلال و آزادی، حاصل آید. اصل راهمنائی که مشکل را حل می کند و عقل را در ارتباط مستقیم برقرار کردن با واقعیت و شناخت آن، همان سان که هست، بکار می آید، موازنه عدمی است. بدین موازنه است که عقل با هستی اینهمائی می جوید و واقعیت را همان سان که هست می بیند.

بدین سان، اندازه دیده شده ها از واقعیت مورد شناخت، گویای اندازه محدود بودن عقل، به سخن دیگر، غافل بودنش از استقلال و آزادی مشاهده کننده است. لذا، ایدئولوژی زدائی، وقتی ایدئولوژی بیان قدرت است برای یافتن و پیشنهاد کردن دانش و فنی که بکار استقلال و آزادی می آید، بخش و بخشی عمده ای کار علمی است. این کار، نیاز به تمرین بکار بردن موازنه عدمی بمنابۀ اصل راهمنا و به معنای رها شدن از هر محدود کننده و این همائی جستن با هستی بی گران دارد.

۱۷ - زبان قدرت در شمار محدود کننده های مهم است. چرا که زبان قدرت بکار علم بر واقعیت آن سان که هست نمی آید، هرگاه کلمه ها از بن مایه قدرت رها شوند و جمله ها نیز، پژوهشگر، می تواند آن را در علم بر واقعیت بکار برد. اگر نه، نمی تواند. یافته عقل وقتی زبانی که بکار می برد، زبان قدرت است، همواره، آمیخته ای از علم و ظن است. هر اندازه عقل قدرتمندتر و زبانی که بکار می برد، بیشتر زبان قدرت باشد، اندازه ظن بیشتر و اندازه علم کمتر می شود. هرگاه با این واحد اندازه گیری نظریه ها را بسنجیم، میزان ظن موجود در آنها را دقیق تر اندازه می گیریم. این اندازه گیری به ما امکان می دهد در باقیم چرا هر اندازه ظن بیشتر، نظریه با قدرت سازگارتر. چنانکه نظریه سازگار با استبداد فراگیر، نزدیک به همه، ظن است و از علم نزدیک به هیچ دارد.

برای مثال، ولایت مطلقه فقیه که، بنا بر آن، فقیه برجان و مال و ناموس مردم بسط ید مطلق دارد، بکسره ظن و مجاز است. چرا که از آن علمی که در استقلال و آزادی، در خودانگیختگی انسان کاربرد دارد، هیچ ندارد. فاقد ویژگی های علم است از جمله این که دلیل در خود علم یافته نیست. در بیرون آن و قول گوینده است. در حقیقت، دلیل صحت ولایت مطلقه فقیه، قول گوینده است که گفته او را بی چون چرا باید پذیرفت و بکار برد. طرّفه اینکه گوینده آن خداوند، چنین ولایتی را نخواسته و نگفته است. زبان بکار رفته در بیان این نظریه، زبان قدرت است: معنی ولایت در قدرت از خود

می دانند و می کنند. در واقع نیز، تنظیم رابطه با قدرت است. از این رو، نخست عقل قدرتمندار را می باید نقد کرد تا که استقلال و آزادی خویش را باز یابد. عقلهای آزاد رابطه با یکدیگر را رابطه حقوق با یکدیگر، رابطه استقلال و آزادی هر یک با استقلال و آزادی دیگری می دانند و می کنند. در واقع نیز چنین است. از این جا است که دانش بنا بر این که در قدرت بکار رود و یا انسانهای برخوردار از استقلال و آزادی، آن را در رشد بکار برند، دو نقش متضاد پیدا می کند. وقتی در قدرت بکار می رود، مؤلفه ای از مؤلفه های قدرت می شود و میزان ویرانگری را افزایش می دهد. و هرگاه بکار استقلال و آزادی آید، کاربرد استعدادهای و فضلها را بهتر و میزان رشد و شتاب آن را بیشتر می کند.

بدین سان، هرگاه فرض کنیم علمی وجود دارد که بکار قدرت نمی آید، و برایش کاربردهائی را بجوییم که بکار رهایی اکثریت زیر سلطه می آید، عقلهای این اکثریت می باید استقلال و آزادی خویش را باز جسته باشند تا بتوانند دانش و فن را در رشد خویش یعنی افزودن برگستره خودانگیختگی خویش، بکار برند.

۱۲ - دانشهایی که بکار آن می آیند که اکثریت بزرگ استقلال و آزادی خویش را باز یابند، سانسور می شوند. به سخن دیگر، قدرت حاکم، هر دانش و فنی را که، با بقای خود، ناسازگار بیاید، سانسور می کند. در عمل نیز، از باستان تا امروز، چنین بوده است و هست. ایدئولوژی قدرت حاکم، هر بیان قدرت ناسازگار با خود را نیز سانسور می کند. این واقعیت گویای ربط مستقیم دانش و فنی با استقلال و آزادی است که آگاهی آدمی بر آنها، بدو، امکان می دهند از نظام سلطه گر - زیر سلطه رها بگردد. چنین دانش و فنی را نه قدرتمندارها اندر می یابند و نه بدان کاربرد می دهند. بسا دانش ها و فنونی که بکار قدرت در جریان متمرکز و بزرگ شدن نیز می آیند، گرفتار دو نوع سانسور می شوند: سانسور با این هدف که اکثریت بزرگ زیر سلطه از آنها آگاه نشوند و سانسور برای این که رقیبها از آنها آگاه نگردند. بدین قرار، استقلال و آزادی انسان با همه دانشها و فن ها سازگار است و عقل مستقل و آزاد می تواند به آنها، در رشد، کاربردهای مختلف بدهد. یافتن و انتشار دانشها و فن ها که همگان بتوانند در باز یافت استقلال و آزادی و رشد خویش، بکارشان برند، کاری است که اهل دانشی می کنند که عرفان انسانها را بر استقلال و آزادی، راهبر تحقیق می دانند.

۱۳ - بنا بر تحقیقی (۱)، در غرب، در فاصله یک قرن، نابرابریها بیشتر شده اند: نابرابریها در ۲۰۱۳، از نابرابریها در ۱۹۱۳ بیشتر شده اند. بدین قرار، باوجود رشد علمی و فنی و برخوردار شدن شمار بزرگ تری از دانش و فن، نابرابریها بیشتر شده اند، نویسنده کتاب بر اینست که تعمیم دانش و فن عامل برابری است. بنظر او، در غرب، یک طبقه متوسط نیز بوجود آمده است. مارکس از عامل رشد غافل بوده است و لیبرال ها بر این خطا هستند که می پندارند رشد و رفاهت مشکلات را حل می کنند حال آنکه بر نابرابریها می افزایند و مشکلات را بزرگ تر می کنند. اینست که نابرابریها افزون گشته اند.

هرگاه، در مقیاس جهان، با واقعیتی که نابرابری است رابطه مستقیم برقرار کنیم، دینامیک نابرابری را از دینامیک های رابطه مسط - زیر سلطه می یابیم و روشن می بینیم که علم و فن وقتی بکار برابر گرداندن می آیند که، هر انسان و هر جامعه، از موقعیت زیر سلطه، دقیق تر بخوای، از روابط مسلط - زیر سلطه رها شود. بدین قرار، استقلال و آزادی امکان می دهند هم دانش بر دانش و فن بر فن را افزود و هم کاربردهای آنها را در رشد، دانش در استقلال و آزادی، بر شمار تر کرد. لذا، دانش و فن جستن یک کار است و کاربردهای آن را در استقلال و آزادی یافتن، کاری دیگر است. روشن است که بکار بردن دانش و فن، در استقلال و آزادی، بنوبه خود، جریان مداوم گذار از نابرابری به برابری است. از جمله به این دلیل که تعمیم دانش و فن نابرابری را برابری می گرداند.

از این رو است که جوینده دانش و فن، وقتی می خواهد دانش و فن بکار استقلال و آزادی انسان بیابند، به یافتن و پیشنهاد کاربردهای آنها اهمیتی به تمام می دهد. کاربردها در همان حال که به زیر سلطه ها امکان می دهند دانش و فن را در باز یافتن استقلال و آزادی، بکار برند، مانع از سانسور شدن دانش و فن، در مواردی، مانع از بکار گرفته شدنشان در تحکیم رابطه مسلط - زیر سلطه می شوند.

۱۴ - بدانیم که استقلال و آزادی از جنس قدرت نیستند. زیرا اگر بدانیم که این دو از جنس قدرت نیستند و بلکه این دو را قدرتی باور کنیم که یک انسان و با یک جامعه دارد، گرفتار زبان بارتترین فریفتاریها گشته ایم. امر واقع مستمر اینست که زبان استقلال و آزادی در زبان قدرت از خود بیگانه گشته است و کار نگاه داشتن کلمه ها و تعبیر معانی آنها را آسان کرده است. استقلال و آزادی در شمار دو کلمه ای هستند که ایدئولوژی ها، آنها را قدرت معنی کرده اند. در یک بیان قدرت، حق، از جمله استقلال و آزادی، به قدرت تعریف می شوند که هر فرد باید از آن برخوردار باشد (لیبرالیسم) و در بیان قدرت دیگری، انسان استقلال و آزادی، خودانگیختگی، را در پایان ضرورت دیالکتیکی، باز می یابد (مارکسیسم).

بدین قرار، از ویرانگرترین از خود بیگانگی ها، از خود بیگانگی ایدئولوژیک است. رهائی از آن، نیاز به بیان استقلال و آزادی، بمنابۀ اندیشه راهمنا دارد. روشن سخن این که اندیشه راهمنا وقتی بیان قدرت است، استقلال و آزادی نمی توانند قدرت فرد شمرده شوند. اما قدرت فرد در رابطه قوا با دیگری، کار برد دارد. در این رابطه، قوی تر مسلط و ضعیف تر زیر سلطه می گردند. بدین خاطر است که کاهش و افزایش خودانگیختگی هر انسان و هر جامعه، اندازه بسته بودن نظام سلطه گر - زیر سلطه را بدست می دهد. بدین قرار، محققان که میان دانش و استقلال و آزادی انسان رابطه برقرار می کنند، مراقب است که زبان آزادی و نه زبان قدرت را بکار برد و تعریفهایی از استقلال و آزادی پیشنهاد کند که قدرت بن مایه آنها نباشد. در آنها هیچ از قدرت نباشد.

۳ - وقتی فعالیتها انسان خودانگیخته هستند، او هم مستقل و آزاد است و هم زندگی او عمل به حقوق است. در حقیقت، خودانگیختگی همان استقلال و آزادی در فعالیتها حیاتی است. رشد به کمال می رسد وقتی خودانگیختگی انسان کامل می شود.

۴ - هرگاه انسانها و جامعه ها مستقل و آزاد باشند، میان آنها رابطه مسلط - زیر سلطه پدید نمی آید. بدین سان، بود استقلال و آزادی و نبود روابط قوا است. در نتیجه،

۵ - استقلال و آزادی جهان شمول هستند: همه انسانها و همه جامعه ها از این دو حق برخوردارند. بنا بر این، زیست جهانیان در استقلال و آزادی، رشد هماهنگ همه انسانها و جامعه ها و عمران طبیعت است. در حقیقت،

۶ - زیست در استقلال و آزادی، نبود فعالیتها ویرانگر و بود فعالیتها سازنده است. در همان حال،

۷ - فقدان روابط قوا یعنی این که دو انسان و دو جامعه، یکدیگر را، در فعالیتها، نه تنها محدود نمی کنند، بلکه فراخانی فعالیتها یکدیگر را گسترده تر و امکانات رشد یکدیگر را افزون تر می کنند. و

۸ - حالت استقلال و آزادی حائلی است که، در آن، انسان با واقعیتها رابطه مستقیم برقرار می کند. این ویژگی و ویژگی دیگر که خودانگیختگی است، که هر کس امکان می دهد، در هر زمان، میزان برخوردار خود را از استقلال و آزادی اندازه بگیرد. چرا که عقل قدرتمندار نمی تواند با واقعیت رابطه مستقیم برقرار کند. با آن، از طریق و از دید قدرت رابطه برقرار می کند. به سخن دیگر، واقعیت را آن سان می بیند و می شناسد که با توقع قدرت سازگار باشد. بکار بردن این دو ویژگی آسان می گردد وقتی همراه می شود با ویژگی زیر:

۹ - حالت وجدان بر استقلال و آزادی و بکار بردن آن، آدمی را در رابطه مستقیم با واقعیت قرار می دهد و این رابطه به او امکان می دهد که دانش بر هر واقعیتی را در رشد بکار برد. حال آنکه، وقتی عقل قدرتمندار است نه می تواند با واقعیت رابطه مستقیم برقرار کند و نه می تواند بدان علم جوید و آن را در رشد بکار برد. چرا که او تنها می تواند با ویران کردن، قدرت را بزرگ و متمرکز کند.

دو مثال بزینیم تا که کاربرد واقعیتها را در رشد، آسان در یابیم و از آن، در تمرین برقرار کردن رابطه مستقیم با واقعیت و بکار بردنش در رشد، سود جوئیم: کشور ما صاحب منابع بزرگ نفت و گاز است. عقل قدرتمندار با این منابع، از راه قدرت و کاربردش در افزودن بر قدرت می نگرد. پس نفت و گاز را دو ماده می بیند که بکار فروختن هورج بیشتر و بدست آوردن درآمد و از آن خود کردن این درآمد می نگرد. به این عقل، هرگاه فراوان کاربردهای این دو ماده در پیشنهاد کنی و اگر هم زبان بکار بردنشان در تولید انرژی برای محیط زیست را به او خاطر نشان سازی، توان درک پیشنهاد و زبان برای محیط زیست را به خود نمی دهد و اگر هم بدهد، از درک پیشنهاد ناتوان می ماند و اگر هم بتوانی به او نفهمانی، از بکار بردنش ناتوان می شود. مگر این که مطمئن شود بکار بردن پیشنهاد درآمدی بیشتر عاید او می کند. در این صورت نیز، راه حل پیشنهادی را وقتی بکار می برد که بزرگ و متمرکز شدن قدرت آن را اجابت کند. به سخن دیگر، عقل قدرتمندار بهمان اندازه که از برقرار کردن رابطه مستقیم با واقعیت ناتوان است، از کاربردهای بسیار در دسترس نیز غافل می ماند و اگر هم آنها را به او بشناسانی، نمی تواند بکار برد.

تولید کنندگان و مصرف کنندگان مواد مخدر، با واقعیت (موادی که، از آنها، مخدرها ساخته می شوند)، رابطه مستقیم برقرار نمی کنند: تولید کننده ها ولو می دانند که بکار بردن این مواد ویرانگر حیات هستند، باوجود این، ثروتی که می توان از تولید و فروش مواد مخدر بدست آورد، برآنان می دارد که این مواد را تولید و عرضه کنند. معتادان، ولو می دانند که با استعمال این مواد خویش را تخریب می کنند، اما با این مواد، از راه گریز از وضعیت و حالتی و یا یافتن وضعیت و حالتی رابطه برقرار می کنند.

همانطور که رژیمهای مسلط بر منابع نفت و گاز حاضرند نفت را ارزان بفروشند که منبع انرژی دیگری جانشین آن نشود، تولید کنندگان مواد مخدر نیز مراقبت می کنند از موادی که بکار می برند، فرآورده های دیگری تولید نشوند. از این رو است که باوجود گذشت یک قرن از استخراج نفت، نفت در اقتصاد ایران جذب و ادغام نگشته است. جذب و ادغام نگشته است زیرا نیازمند وجود سامانه اقتصادی تولید محوری مستقل و رشد یاب است و چنین اقتصادی با استبداد وابسته سازگار نیست. بدین سان،

الف - میزان ویرانگری و

ب - میزان محدودیت انسان و جامعه، و

ج - اندازه ناتوانی از برقرار کردن رابطه مستقیم با واقعیت و

د - اندازه ناتوانی از بکار بردن واقعیت در رشد، گویای عقلت از استقلال و آزادی هستند. و

۱۰ - از آنجا که قدرت، از جمله، حاصل پوشاندن حقوق و قلب کردن حقیقت ها است، حالت استقلال و آزادی، حالت مشاهده حقوق ذاتی خویش - بنا بر این حقوق ذاتی همه زینندگان - و شفاف گردانی زندگی است. در حقیقت، زندگی در استقلال و آزادی، بنفسه، شفاف است. در جامعه مستقل و آزاد، هر بار که کسی و یا گروهی بر آن شوند که با پوشاندن حقوق و حقیقت ها، بسود خود، رابطه قوا برقرار کنند، شفاف گردانی ها آن کس و یا گروه را از زور مداری و برقرار کردن رابطه قوا رها می گرداند. در حقیقت،

۱۱ - عقلهای مستقل و آزاد، بدین خاطر که مستقل و آزاد هستند، در استقلال و آزادی، با یکدیگر رابطه برقرار می کنند. عقلهای قدرتمندار جز از راه قدرت و بر وفق توقعات آن، نمی توانند با یکدیگر رابطه برقرار کنند (رابطه قوا همین است). بدین قرار، ارتباط عقلها، به تنهایی، مشکل را حل نمی کند. چرا که عقلهای قدرتمندار در رابطه، رابطه با یکدیگر را تنظیم رابطه با قدرت



خلع سلاح شیمیایی؟

● لوموند: در محدوده تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد، زرادخانه شیمیایی سوریه بسا تحت نظارت بین المللی قرار بگیرد. بعد نوبت به تخریب آنها می‌رسد. این دو کار چگونه انجام می‌گیرد؟

* زاندرس: این پرسشی است که در حال حاضر نمی‌توان به آن پاسخ داد. یک مورد منحصر به فرد است. هم از لحاظ تاریخ معاصر و هم از نظر فنی. ما هرگز اسلحه شیمیایی را در یک کشور در حال جنگ، از میان نبرده ایم. باید مرحله به مرحله عمل کرد. مرحله اول صورت برداری کامل از اسلحه شیمیایی سوریه است. بعد پیوستن به قرارداد منع استعمال اسلحه شیمیایی مصوب ۱۹۹۳. مسئله اینست که بدانیم در این زرادخانه چه هست. بعد باید آنها را در چند محل گرد آورد.

● لوموند: می‌توان این اسلحه در خارج از سوریه از میان برد؟

* زاندرس: اگر بتوان این اسلحه را به خارج از سوریه برد، از میان بردنشان سریع‌تر انجام خواهد شد. اما در مورد سوریه، بهتر است این گزینه را برنگزیند. زیرا همه کشورهای همسایه قرارداد را امضاء کرده‌اند. ماده اول قرار داد ممنوع می‌کند انتقال علنی و یا غیر علنی آن را به هر جای دیگر.

● نقل و انتقال اسلحه شیمیایی در خود سوریه نیز مشکلات امنیتی بسیاری در بردارد. زیرا دولت سوریه همه سرزمین کشور را تحت مهار خود ندارد. از نظر لوجستیک نیز خطر ناک است. زیرا خطر آن وجود دارد که بهنگام نقل و انتقال مورد حمله قرار گیرند. می‌توان به ترتیب صنعتی متحرک، به روش ژاپنی و آلمانی و یا آمریکایی، از میانشان برد. این روش نقل و انتقال اسلحه شیمیایی گردآوری شده در چند محل را به حداقل می‌رساند.

● جون کری، وزیر خارجه آمریکا، می‌گوید: در تن مواد شیمیایی سوریه دارد. اینها در چه شکل هستند؟

* زاندرس: جنبه مهم صورت برداری، تشخیص همین امر است. بنا بر طرز نگاهداری اسلحه شیمیایی، تخریب آنها زمان بیشتری می‌برد. در مورد سوریه، احتمالاً، این اسلحه در شکل مایع نگاهداری شده‌اند. در درون اسلحه‌ای که بکار شلیک آن می‌آیند، نیست. هرگاه چنین باشد، تخریب آن سریع‌تر انجام می‌گیرد. امروز، نمی‌توان با اطمینان کامل گفت که مواد شیمیایی بشکل مایع نگاهداری می‌شوند. اما اینطور می‌پندارم که بخش بزرگ این مواد بشکل مایع نگاهداری می‌شوند. نشانه‌هایی وجود دارند گویای این امر که سوریه تکنولوژی نگاهداری گاز سارین را ندارد. این گاز بنسبت درجه خلوصش، ظرف چند روز تجزیه می‌شود.

● مرحله بعدی، مرحله کم خطرتر کردن مواد شیمیایی، قبل از نابود کردن آنها در حرارت زیاد و اطمینان حاصل کردن که ذراتش پراکنده نمی‌شوند. این آسان‌ترین روش است و بیشتر از همه بکار رفته است.

و در آنچه به رقم ۱۰۰۰ تن مربوط می‌شود، این تنها یک برآورد است. بنا بر اطلاعاتی که من دارم، سوریهها سطح تولید و فنی بالاتری از آن دارند که عراقی‌ها داشتند. (مواد شیمیایی آماده برای بکار رفتن بمثابه اسلحه شیمیایی که عراق در اختیار داشت، ۶۰۰ تن برآورد می‌شد).

● لوموند: بر عملیات از بین بردن اسلحه شیمیایی، چه کسی نظارت می‌کند؟

* زاندرس: اگر سوریه به امضاء

کنندگان قرارداد بیبوند، این سازمان مأمور اجرای قرارداد منع استعمال شیمیایی است که بر این کار نظارت می‌کند. مقتضانش باید تصدیق کنند که عملیات تخریب اسلحه شیمیایی با دقت و بنا بر پیش بینی، پیش می‌رود. اما این کشوردارنده این اسلحه است که مسئول تخریب آنها است.

● لوموند: تخریب کامل اسلحه شیمیایی چه مدت بطور می‌انجامد؟

* زاندرس: وقتی به مشکلاتی توجه کنیم که در لیسی بیبار آمد (در سال ۲۰۰۴، بخشی از اسلحه شیمیایی رژیم فذافی از میان برده شد) و مسائل فنی و لوجستیک که بهنگام تخریب ۲۵ تا ۲۶ تن گاز خردل، پیدا شد، در می‌یابیم که نمی‌توان با اطمینان گفت این کار چه مدت بطول می‌انجامد. بسا تنها مرحله تخریب این اسلحه ۳ سال بطول انجامد. طول مدت عملیات بستگی دارد به شمار دستگاه‌های تخریب این اسلحه که می‌توان بکار برد. البته وقتی قرار باشد دستگاه‌های متحرک بکار برد.

* اطلاعات در باره زمان و هزینه

تخریب اسلحه شیمیایی:

● کنوانسیون ممنوعیت اسلحه شیمیایی در ۱۹۹۳ پذیرفته شد و در سال ۱۹۹۷ وارد مرحله اجرا شد. سازمان مأمور ممنوع کردن این اسلحه این کار را در ۱۸۹ کشور که قرارداد را امضاء کرده‌اند، برعهده دارد. این سازمان مأمور نظارت بر تخریب اسلحه شیمیایی اظهار شده و از کار انداختن تأسیسات تولید این اسلحه است.

● کشورهای امضاءکننده می‌باید به این سازمان اظهار کنند آیا اسلحه شیمیایی دارند و یا خیر. و اگر دارند، تخریب بدون زیان رساندن را برعهده بگیرند. غیر از سوریه، کشورهای کره شمالی و آنگولا و مصر و سودان جنوبی (در سال ۲۰۱۱ تشکیل شده است) کنوانسیون را امضاء نکرده‌اند. اسرائیل و بیرمانی هم در ۱۹۹۳، سند را امضاء کرده‌اند اما مجالس آنها قرارداد را به تصویب نرسانده‌اند. برخی از این کشورها منهدم هستند که اسلحه شیمیایی تولید کرده و در اختیار دارند.

● تا ژوئیه ۲۰۱۳، از ۷۱۱۹۶ تن، ۱۰ درصد و از ۸ میلیون ۶۷۰ هزار اسلحه اظهار شده، ۵۷/۳۲ درصد از میان برده شده‌اند. از آنچه مانده است، بخش عمده در آمریکا و روسیه، انبار شده است.

● بنا بر قراردادی که روسیه (شوروی سابق) آمریکا امضاء کردند، دو کشور بخشی از اسلحه شیمیایی خود را از میان بردند. هزینه از بین بردن برای آمریکا ۱۵ میلیارد دلار شد و این مقدار اسلحه ظرف افزون بر ۱۰ سال تخریب شد.

* دو موشک اسرار آمیز و این

سؤال: آیا این دو موشک را

آمریکا رها کرده و هدف دمشق

بوده است و روسها آنها را زده و

به آمریکا اخطار داده‌اند؟

● مدیاراما (۱۲ سپتامبر ۲۰۱۳) به نقل از «منابع دیپلماتیک»، خبر می‌دهد که دو موشکی که وزارت دفاع روسیه اعلام کرد بسوی مدیترانه شرقی رها شده‌اند و

رادارهای روسی آن را ردیابی کرده‌اند، در واقع از پایگاه موشکی ناتو، توسط آمریکا، بسوی دمشق پرتاب شده‌اند. روسها آن را ردیابی و مسیر یکی را تغییر و دیگری را نابود کرده‌اند. همزمان، به واشنگتن اخطار کرده‌اند که حمله به دمشق به منزله حمله به مسکو است. و اسرائیلی‌ها برای حفظ اعتبار آمریکا، اعلام کرده‌اند که این دوشک در جریان مانور مشترک قوای آمریکا و اسرائیل رها شده‌اند. مقصد آنها کشور خاصی نبوده و به کشور ای صابت نکرده و خسارتی وارد نکرده‌اند.

شرط آمریکا که اگر

سوریه می‌خواهد

آمریکا حمله نکند،

اسلحه شیمیایی خود را

تحت مهار بین المللی

قرار دهد، بسا حيله

باشد برای:

● روبرت باری رویه آمریکا (اوباما) در سوریه را با رویه آمریکای (بوش)، در نوشته‌ای به تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۳، مقایسه کرده و هشدار داده است:

● شرط کردن با سوریه که اگر می‌خواهد آمریکا به این کشور حمله نکند، اسلحه شیمیایی خود را زیر مهار بین المللی قرار دهد، می‌تواند شگردی باشد برای به تصویب کنگره رساندن اجازه جنگ با سوریه. بدین سان حکومت اوباما هم موافقت کنگره را بدست می‌آورد و هم بسا موافقت سازمان ملل متحد را برای حمله به سوریه.

● حکومت اوباما، همان روش را بکار می‌برد که پیش از او، ژرژ بوش در باره عراق بکار برد. حيله او کارگر شد و جون کری، وزیر خارجه امروز و سناتور دیروز هم به جنگ با عراق رضا و بدان رای داده بود.

● روز دوشنبه، بعد از این که حکومت روسیه از شرطی حمایت کرد که کری با سوریه کرده بود، درجا، تونی بلینکن، مشاور امنیتی اوباما، گفت: پس تهدید سوریه به جنگ نتیجه داد و سبب شد روسیه تهیه پیشنهاد را برعهده بگیرد. پس به جا است که کنگره اجازه دست زدن به حمله به سوریه را تصویب کند تا اگر سوریه تن به تخریب اسلحه شیمیایی خود نداد، آمریکا به این کشور حمله کند. بسیار مهم است که بدانیم پیشنهاد روسیه در موقعیتی بعمل آمد که آمریکا گفت مصمم است به سوریه حمله کند. یعنی حاصل فشاری است که رئیس جمهوری آمریکا وارد می‌کند. پس ما باید از وارد کردن فشار به سوریه منصرف نشویم و کنگره باید اجازه حمله به سوریه را تصویب کند.

● پرزیدنت اوباما، خود نیز، در مصاحبه با فوکس، نظیر این اظهارات را کرد. او نیز از کنگره خواست اجازه جنگ محدود با سوریه را تصویب کند. بدین سان، حکومت اوباما نزد کنگره لابی‌گری می‌کند و آمادگی سوریه برای تخریب اسلحه شیمیایی خود را نیز دلیل قرار می‌دهد برای به تصویب رساندن اجازه حمله آمریکا به سوریه. ● ریشخند زمانه را ببین! آن زمان که

بوش موفق شد با همین حيله از کنگره رای بگیرد، از یاد برد که قرار بر این بود که اجازه حمله را برای ناگزیر کردن رژیم صدام به امحای اسلحه کشتار جمعی، از راه دیپلماسی کند. در جا، کار دیپلماسی را رها کرد و به نذارک جنگ پرداخت.

● در دوران انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴ که کری نامزد ریاست جمهوری از حزب دموکرات بود، به تکرار، از این که به جنگ با عراق رای داده است، پوزش خواست. مکرر توضیح داد که او تنها بدین قصد رای داد که بوش از حربه جنگ برای گرفتن امتیازها از صدام حسین استفاده کند. درسی که کری گرفت این بود که بمحض دادن اجازه جنگ، حکومت بوش مختار است از آن، چنانکه دلخواه او است، استفاده کند. و دلخواه بوش جنگ بود.

● بوش قطعنامه‌هایی را به شورای امنیت برد مبنی بر این که عراق می‌باید اسلحه کشتار جمعی خود را نابود کند. بعد از این که عراق بطور رسمی اعلام کرد که اسلحه کشتار جمعی را مفشان سازمان ملل متحد از میان برده‌اند و اینک نیز می‌پذیرد مفشان آن سازمان بیابند و تفتیش کنند و این مفشان رفتند و تفتیش کردند و چنین اسلحه‌ای را نیافتند. بوش انکار عراق را به سخره گرفت و به مفشان فشار وارد کرد خاک عراق را ترک گویند زیرا آمریکا قصد حمله به عراق را دارد.

● تنها بعد از حمله به عراق بود که مفشان برگزیده حکومت بوش به عراق رفتند و اسلحه کشتار جمعی و تأسیسات تولید اسلحه اتمی را نیافتند... یک دهه بعد، این بار، با رژیم اسد همان روش بکار می‌رود. اطاقهای فکر و لابی‌ها به اوباما فشار وارد می‌کنند سیاست خصوصت آمیزی را در قبال رژیم سوریه دریاس بگیرد.

● باوجود این، تفاوتی مشاهده می‌شود: در حکومت اوباما و در دستگاه‌های نظامی و اداری، جز آندک شماری، کسی از جنگ حمایت نمی‌کند. وزارت خارجه و سیا و شورای امنیت ملی از جنگ حمایت نمی‌کنند.

● تمامی اعضای حکومت اوباما می‌دانند که لابی اسرائیل و محافظه کاران جدید همچنان نیرومندند و سخت جاندار جنگ با سوریه. و نیز، این حکومت در قبال اسلحه شیمیایی اسرائیل نیز سکوت می‌کند. به این پرسش که یک نام دو هوا از چه رو؟ چرا از اسرائیل خواسته نمی‌شود تحت نظارت بین المللی اسلحه شیمیایی خود را از میان بردارد؟ اسرائیل هم اسلحه شیمیایی دارد و هم اسلحه اتمی اما جامعه بین المللی از او نمی‌خواهد اسلحه کشتار جمعی خود را نابود کند.

● روزنامه نگار معتبری چون باری لاندو می‌نویسد: «بحث بر سر سوریه یک جنبه است... برای مثال، مسلم است که نیروی فشار عظیمی که لابی‌های طرفدار اسرائیل هستند، فشار وارد می‌کنند تا که آمریکا وارد جنگ با سوریه شود. اما آنچه روشن نیست اینست که چرا کسی از اسرائیل نمی‌پرسد چرا زرادخانه اسلحه اتمی دارد. اسرائیل هرگز در علن نپذیرفته‌است که صاحب اسلحه اتمی است. اما بیشتر حکومت‌های آمریکا می‌دانستند که اسرائیل اسلحه اتمی دارد. وسائل ارتباط جمعی بزرگ نیز به راه حل مسئله نمی‌پردازند تنها لزوم حمله به سوریه را تبلیغ می‌کنند».

● لاندو خاطر نشان می‌کند که مقامات سوریه اسلحه شیمیایی را گرد آورده‌اند اما نه برای آنکه برضد مردم خود بکار برند. این اسلحه تنها بکار منصرف کردن اسرائیل از حمله نظامی به سوریه تهیه و انبار شده‌اند. مطالعه‌های جدی که کارشناسان آمریکائی و غیر آمریکائی،

در سالهای اخیر، در باره این اسلحه انجام داده‌اند، از جمله تحقیق که کنوانسیون اروپاییه منع اسلحه کشتار جمعی، در ژوئیه ۲۰۱۲ انتشار داده است، به نتیجه رسیده است که اسلحه شیمیایی سوریه تاکنیکی و اسلحه‌ای که در میدان جنگ بکار رود، نیست. بلکه اسلحه استراتژیکی است برای مقابله با اسرائیل بخاطر نفوق اسلحه قراردادی و اسلحه اتمی که اسرائیل در اختیار دارد.

● اسرائیل همواره خود را کشوری توصیف می‌کند که تهدید عربها، - و حالا ایرانی‌ها - همواره، موجودیتش را در معرض خطر می‌دهد، پس باید اسلحه کشتار جمعی داشته باشد. اما دیدگاه سوریه یکسره دیگر است. رهبران سوریه دیده‌اند و می‌بینند اسرائیل زیر بناهای صنعتی پیشرفته دارند و از حمایت مالی و تسلیحاتی و سیاسی آمریکا نیز برخوردار است. اینست که توانسته‌اند نیرومندترین نیروی نظامی را در منطقه ایجاد کنند و اسلحه اتمی نیز بسازند و در اختیار بگیرند.

● به سخن دیگر، سوری‌ها از شکستهای بی‌درپی احساس حقارت می‌کنند. آنها که نلندی‌های جولان را از دست داده‌اند، می‌دانند که هیچگاه نمی‌توانند هم‌آورد نظامی اسرائیل بگیرند. بنا بر این، به بدیلی عملی روی آوردند و آن اسلحه شیمیایی بود. هرچند این اسلحه با اسلحه اتمی و شیمیایی اسرائیل برابری نمی‌کند، اما بکار آن می‌آید که اسرائیل حساب کار خود را در صورت حمله به سوریه بکند.

● بدین سان، این امر که سوریه می‌پذیرد اسلحه شیمیایی خود را نابود کند، پیروزی استراتژیکی دیگری برای اسرائیل است. و برای این که اطمینان حاصل شود که سوریه اسلحه شیمیایی خود را از بین می‌برد، حکومت اوباما می‌باید کارهای سیاسی و دیپلماتیک جندی را انجام دهد: قطعنامه‌ای را باید شورای امنیت تصویب کند واجد این بند که هرگاه سوریه به تعهد خود عمل نکند، تشبیه نظامی بگردد. درست همانند قطعنامه‌ای که حکومت بوش، در مورد عراق، به تصویب رساند.

● بعد از تصویب قطعنامه در شورای امنیت، حکومت اوباما باید از کنگره اجازه حمله به سوریه را بدست آورد. استدلال نیز این خواهد شد که اطمینانی به صداقت روسیه و سوریه نیست.

● طرفه این که کری، بمحض مراجعت از اروپا، به کنگره رفت و گفت: آمریکا اجازه تأخیر در تخریب اسلحه شیمیایی را به سوریه نمی‌دهد. ما منتظر پیشنهاد روسیه می‌مانیم اما نه برای مدتی طولانی. این همان سخنی بود که بوش برای قانع کردن جون کری سناتور به رای دادن به طرح جنگ با عراق، بر زبان آورده بود!

* توافق آمریکا و روس بر سر

اسلحه شیمیایی سوریه:

● در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳، در سومین روز گفتگوها، دو وزیر خارجه آمریکا و روسیه، برسر چند و چون از بین بردن اسلحه شیمیایی سوریه به توافق رسیدند:

۱- دولت سوریه یک هفته وقت دارد صورت اسلحه شیمیایی را بدهد. جون کری، وزیر خارجه آمریکا توضیح داد که مفشان، خیلی دیر، در ماه نوامبر به سوریه خواهند رفت. با این هدف که در اواسط سال ۲۰۱۴، این اسلحه از اختیار رژیم اسد خارج شوند. سرگی لاورف، وزیر خارجه روسیه، هدفی که یونین و



خلع سلاح شیمیایی؟

*مانور ماهرانه:

● استراتژی ایران فعال کردن گروه های وابسته به خود در منطقه است. ایران از همین گروه ها در عراق و افغانستان، در پی تغییر رژیم های این دو کشور توسط آمریکا، بر ضد آمریکا، بکار برد. تهران با واشنگتن در سرنگون کردن رژیم های طالبان و صدام همکاری کرد و از این همکاری سود نیز برد. استراتژی های ایران که در عراق و افغانستان آن مانورها را بر ضد قوای آمریکا دادند، هم اکنون بر سر کارند و همان مانور را تدارک می بینند. برای مثال، ظریف که اینک وزیر خارجه ایران است، در ایام بعد از ترورهای ۱۱ سپتامبر، ۲۰۰۱ را بابت رژیم ایران با حکومت بوش بود.

● با وجود این، وضعیت ایران، وضعیت های عراق و افغانستان، فرق می کند. این بار، واشنگتن نمی خواهد رژیم سوریه را سرنگون کند تا که ایران از آن بهره برداری کند. در واقع، هدف واقعی واشنگتن از جانشین کردن اسد با دیگری، کاستن از نفوذ ایران در منطقه است. این نفوذ، بعد از سقوط رژیم صدام، بسیار زیاد گشته است. در عوض، واشنگتن نمی خواهد نظاره گر جانشین شدن رژیم اسد با رژیمی بگردد که القاعده تشکیل می دهد. از جمله، بدین خاطر است که حسین موسویان، کسی که به روحانی بسیار نزدیک است، در ۲۹ اوت، نوشت: تغییر رژیم در افغانستان، فرصتی بسیار خوب برای همکاری جدید میان واشنگتن و تهران بود. او پیشنهاد می کند آمریکا و ایران بر سر بحران سوریه همکاری کنند تا که این بحران بهتر مهار شود و پایان بگیرد.

* سوریه و ایران:

● ولو امکان همکاری ایران با آمریکا بر سر سوریه وجود دارد، حمله آمریکا سبب تضعیف سوریه می شود. این حمله هرگاه سبب سقوط رژیم اسد شود، خطرهای جدی برای منافع ایران در بر دارد. یک رژیم نادرست با ایران، رابطه ایران با حزب الله لبنان را قطع می کند و موقعیت متحد عراقی خود را نیز تضعیف می گرداند.

● با وجود این، حمله محدود به سوریه، که سبب سقوط رژیم اسد نشود، بسود ایران تمام می شود. چنین حمله ای میان مخالفان رژیم اختلاف می اندازد. گروهی موافق و گروهی مخالف حمله می شوند. و این امر، به ایران امکان می دهد باتفاق متحدان عراقی و سوریه و لبنانی خود، فروخوابانیدن شورش - گیرد - را بهتر مدیریت کند.

● از آنجا که این عناصر سرزمین بیشتری را تصرف کرده اند، آمریکا بسا به همکاری ایران نیاز دارد، برای اتخاذ سیاست جدیدی در قبال سوریه، نیاز دارد. واشنگتن آماده گفتگو در باره پرونده اتمی ایران نیز می شود. دولت ایران این دو مسئله را بهم مربوط کرده است و بر این باور است که می تواند از سوریه می تواند در گفتگو بر سر اتم، سود جوید.

* استقلال از بی ثباتی:

● ایران نمی تواند امکان تضعیف رژیم اسد را توسط آمریکا از میان ببرد. و نیز نمی تواند مانع حمله محدود آمریکا به سوریه شود. اما می تواند خود را برای مقابله با هریک از این دو وضعیت آماده

اوباما تعیین کرده بودند، تحقق یافت. ۲- در باره مداخله نظامی احتمالی، آمریکا و روسیه توافق کردند که در صورت عمل نکردن رژیم اسد به مواد این توافق و یا در صورت بکار بردن اسلحه شیمیایی، برابر فصل هفتم مقررات سازمان ملل متحد، شورای امنیت اجازه حمله نظامی به سوریه را خواهد داد.

بدین قرار، بدون اجازه شورای امنیت، اقدام نظامی بعمل نخواهد آمد. در این باره، لاورف این توضیح را داده است: این بدان معنی است که در صورت تخطی از این توافق، موضوع به شورای امنیت گزارش و مورد رسیدگی شورا قرار می گیرد. دو کشور بر سر راه حل صلح آمیز، توافق کرده اند.

انقلاب اسلامی: چون کبری اصرار داشته است که هرگونه تخلف سوریه، حمله نظامی به این کشور را مجاز بگرداند. در برابر، لاورف اصرار داشته است که فکر توسل به نیروی نظامی یکسره رها شود. توافق می گوید که توسل به نیروی نظامی موکول به طرح تخلف و تخطی سوریه به شورای امنیت و صدور دستور از سوی شورای امنیت است.

ساماندهی حمله نظامی آمریکا به سوریه و ربط آن به نفوذ ایران در منطقه:

گزارش - تحلیل از استراتفور است و در تاریخ ۴ سپتامبر ۲۰۱۳ انتشار یافته است:

● عقل معمولی می گوید ضعف شدن سوریه سبب کاهش نفوذ ایران در منطقه می شود. و به عکس، حمله آمریکا به سوریه بسود ایران و موجب تقویت نفوذش در منطقه می شود. دولت ایران استراتژی سنجیده ای برای مقابله با حمله آمریکا، تهیه کرده است. البته، در صورت حمله، تهران گروه های هوادار خود، از جمله حزب الله لبنان را در منطقه فعال می کند. اما با توجه به خصومت آمریکا با گروه های سنی جهادی، در جای دیگر، از آمریکا، امتیازها می گیرد.

● ایران فعالیت های دیپلماتیک خود را از راه تماس با کشورهای دست اندر کار جنگ در سوریه، آغاز کرده است. در هفته گذشته، علاءالدین بروجردی، در رأس هیاتی پارلمانی، به دمشق فرستاده شده است تا در باره حمله بالقوه آمریکا به سوریه، با مقامات این کشور گفتگو کند. پیش از آن، در ۲۹ اوت، پوتین، رئیس جمهوری روسیه، با حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران، در این باره، گفتگوی تلفنی انجام داده بودند. بعد از این گفتگو و سفر سلطان عمان به تهران، جفری فلتمن، معاون سیاسی بان کیمون، دبیر کل سازمان ملل متحد، به تهران رفت و در باره سوریه، با ظریف، وزیر خارجه ایران، گفتگو کرد. و نیز گفته می شود که سلطان عمان حامل پیامی از حکومت اوباما برای حکومت جدید ایران بوده است.

● همزمان، رجز خوانی های فرماندهان نظامی ایران، نیز معتدل بود. میان ایران و آمریکا تنشها وجود دارند و وخامت یار شدن وضعیت سوریه، موجب تشدید تنشها شد. رژیم سوریه متحد نزدیک ایران است و ادامه حیات این رژیم به امنیت ملی ایران ربط دارد. در صورت حمله آمریکا به سوریه، ایران توان مقابله به مثل بر ضد قوا یا تأسیسات آمریکا را ندارد، اما امیدوار است از طریق گروه های وابسته به خود، این کار را انجام دهد.

خود را گرفتار مشکل سوریه نیز کرده است. حال که بشار اسد بر ضد مردم حومه دمشق، سلاح شیمیایی بکار برده است، وضعیت سوریه باز هم پیچیده تر گشته است. این وضعیت سوریه هرآنچه را که به ایران مربوط می شود، از پرده بیرون انداخته است:

● حکومت اوباما بطور روز افزون تصمیم خود را به دادن پاسخی نظامی به استعمال اسلحه شیمیایی توسط اسد، موجه تر می یابد. موجه تر می یابد زیرا اثر کردن و یا نکردن این کار بر رفتار رژیم ایران است که اثر می گذارد. مسلم است که تنبیه اسد، بدین خاطر که از خط قرمزی عبور کرده است که اوباما رسم کرده بود، ایران را متوجه می کند که نباید از خط قرمزی عبور کند که اوباما، در مورد اتم، رسم کرده است.

● منصرف کردن کشورهای از بکار بردن اسلحه شتار جمعی، در سر تاسر جهان اثر می گذارد و مانع از بکار رفتن این اسلحه می شود. برای مثال، کره شمالی که بیشتر از سوریه اسلحه شیمیایی دارد، بر آن می دارد که، خواه از راه تحریک کردن، در کره جنوبی و یا هر برخورد نظامی احتمالی، بمثابه پی آمد این تحریک، فکر بکار بردنش را به خاطر خطور ندهد.

● وارد کردن ضربه نظامی به رژیم اسد، همچنین، بر میزان اعتماد آنها به آمریکا و اطمینان خاطرشان می افزاید. تصمیم سال پیش نتان یاهو، نخست وزیر اسرائیل، به این که دستور حمله نظامی به ایران را ندهد، بدین خاطر بود که اطمینان یافت اوباما نمی خواهد ایران به سلاح اتمی مجهز شود.

● اطمینان نتان یاهو به تضمینی که آمریکا داده است، تقویت خواهد شد هرگاه اوباما نشان بدهد هم می خواهد و هم توانایی آن را دارد که بر ضد سوریه از قوه نظامی استفاده کند.

● این نه پای اعتبار شخصی اوباما، که پای اعتبار استراتژیک آمریکا است. تنبیه نکردن اسد به قطره ای می ماند که کاسه صبر نتان یاهو را لبریز می کند و اسرائیل را بر آن می دارد که دست به حمله نظامی پیش از موفق و نارسا به ایران بزند و آمریکا را وارد جنگی ناخاسته کند.

● از سوی دیگر، حمله ای نظامی به سوریه، تحت فرماندهی آمریکا، بسا چشم انداز حل مسالمت آمیز مسئله اتمی ایران را دور می برد. حل واقعی مسئله بسا ناممکن می شود بدین خاطر که اختلاف های دو طرف بس عمیق هستند: ایران خواستار داشتن اسلحه اتمی است و دشمنانش نمی خواهند این اسلحه را داشته باشد.

● تدابیر برای ایجاد اعتماد کوتاه مدت، اینک که حسن روحانی رئیس جمهوری است، اتخاذ کردنی هستند. اما این تدابیر موقتی وقتی بکار می آیند که ایران حدود آن را بپذیرد: تعطیل تأسیسات غنی سازی اورانیوم فرد که تا این زمان از ایران خواسته شده است. روحانی بسا سخت می تواند سخت سران رژیم را به انجام این مصالحه، متقاعد کند. هرگاه متحد ایران، سوریه، توسط

● آمریکا، مورد حمله قرار بگیرد، آتش انتقام در وجود سخت سران رژیم شعله ور خواهد شد و محل برای مصالحه و آشتی باقی نخواهد گذاشت. آنها که می گویند در دشمنی با آمریکا تا آخر باید رفت، بیشتر قوت می گیرند اگر بر اثر حمله، به افراد سپاه قدس، مستقر در سوریه، تلفات وارد شود. این امر می تواند واکنشی ایران شود. واکنشی که فرینه کنش نظامی آمریکا نخواهد شد.

کند. استراتژی های ایران می دانند که آمریکا دارای تفوق هوایی هستند. اما این را نیز می دانند که در روی زمین، در عراق و سوریه و لبنان، تفوق با ایران است. بدین قرار، ایران آن موقعیت را دارد که شورش برانگیزد (نظیر آنچه در عراق روی داد). هرگونه شورشی تشنه یابی و قومی را در سوریه تشدید خواهد کرد و جنگ کنندگان سنی را رادیکال تر خواهد کرد. جهادی ها که قوت می گیرند، آمریکا را ناگزیر می کند با همکاری با ایران برای مهار رادیکالیسم سنی.

● بنا بر این فرض بس نامحتمل، اگر آمریکا درگیر جنگ دیگری بگردد، خود بیرون کشیدن از این جنگ به ضرورت نیاز به همکاری با ایران دارد. امر واقعی که آمریکا با آن روبرو است، اینست که از ترورهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ بدین سو، هر جا رژیمی از رژیم های دیکتاتوری سقوط کرده است، جهادی ها و گروه های اسلام گرا قدرت گرفته اند.

● برخلاف همسایگان عرب سوریه خواهان ثبات منطقه هستند، ایران از بی ثباتی استقبال می کند. این رژیم از درون، دستش بسته است و می داند که قلمرو نفوذش می تواند محدودتر گردد اما از میان نمی رود. استراتژی های ایران همچنین بر این باور هستند که می تواند دهها سال تحت مجازاتها و تحریمها بسر برد. به زیست در رنج خو گرفته است. بدین قرار، بلسو سوریه همچنان دولتهای عرب را که ضعیف هستند تهدید می کند، اما به ایران چندان صدمه وارد نمی کند. بنا بر این، تهران از بلسو در دنیای عرب می تواند بسود خود بهره برداری کند.

● با وجود این خطرها، احتمال کمی وجود دارد که آمریکا خود را درگیر یک جنگ بزرگ در سوریه کند. آمریکا هیچگاه نمی تواند از جهت مقاصد آمریکا، خاطر آسوده کند. از این رو، می باید نتایج عملیات نظامی محدود را همواره در نظر داشته باشد. بدین خاطر است که تهران خود را برای چندین احتمال آماده می کند.

● وقتی نقشه ها اجرا شدند، بخصوص وقتی وضعیت چنان سیال است که در سوریه، ممکن است پی آمد بدخیم بیار آید. این سیالیت برای ایران خطر هائی در بر دارد اما فرصتهائی را نیز در اختیارش می گذارد.

● انقلاب اسلامی: مطالعه ای که مرکز مطالعات استراتژیک انگلستان انتشار داده است، بر اینست که، در سوریه، ایران گرفتار وضعیتی شده است که آمریکا در ویتنام شده بود. با این تفاوت که ایران گرفتار تحریمها است و توانائی تحمل این بار را ندارد:

به استناد گزارش مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک، سوریه ویتنام ایران و برگ برنده ای در دست آمریکا گشته است:

مقاله ای که مارک فیتزپاتریک Mark Fitzpatrick، مدیر منگ گسترش اسلحه و برنامه گذاری خلع سلاح، نوشته و در ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۳ انتشار داده است، مستند به گزارش جدید مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک و چکیده آن، اینست:

● پنداری مسئله اتمی ایران به اندازه کافی مشکل نبوده است که اینک ایران

هم اکنون، گزارشی در اختیار است که، بنا بر آن، سپاه قدس اجازه خواسته است که میلیشیای عراقی، به تلاقی حمله آمریکا به سوریه، به منافع آمریکا در عراق، حمله کنند. ایران نمی خواهد که به خاطر سوریه، به جنگی با آمریکا کشانده شود. اما واکنشهای غیر ارادی می توانند رخ دهند.

● هر چند روحانی مخالف دست زدن به اعمالی است که سبب رو دررونی نظامی با آمریکا می شوند، اما او سپاه قدس را مهار نمی کند. ایران دست کم، دادن اسلحه به رژیم اسد را دو برابر می کند و این کار را با استفاده از راه زمینی و راه هوایی عراق انجام می دهد.

● توجه به اثر حمله نظامی آمریکا به سوریه، سبب می شود که حمله های هوایی آمریکا به سوریه، محدود باشند. بهر رو، متناسب خواهد بود با جنایت اسد. بسا روحانی از زبان جف فلتمن، دیپلمات پیشین آمریکا و معاون کنونی بان کیمون، دبیر کل سازمان ملل متحد، شنیده است که حمله های محدود آمریکا به سوریه، موجه منافع ایران نخواهند شد. این پیام باید تکرار شود و در عمل نیز رعایت شود. اما توجه به اثر حمله نظامی بر ایران، نباید مانع از تنبیه اسد بگردد. بلکه در تهیه و اجرای نقشه است که می باید در نظر گرفته شود.

● در حال حاضر، این ایران است که در نزاع سوریه بازنده است و نه آمریکا. حمایت از سبعینهای اسد توسط تهران، سبب شده است که در کوچه خیابانهای کشورهای عرب و دنیای سنی، ایران شریک جنایت شمرده شود. ادعای ایران که انقلابش الگوی انقلابهای دنیای عرب (بهار عرب) بوده است، ریاکاری خوانده می شود.

● و اینک، استعمال اسلحه شیمیایی در کشتن زنان و کودکان، توسط اسد، در رژیم ایران نیز اختلاف انداخته است: علی اکبر هاشمی رفسنجانی رژیم سوریه را به بکار بردن اسلحه شیمیایی متهم می کند. مردم ایران می دانند که تسلیحات و پولی که دولت ایران به دولت سوریه می دهد، با توجه به تشدید تحریمها، چه اندازه برای خود ایران، پر ارزش است. از بسیاری جهات، سوریه ویتنام ایران شده است: مردابی که راه بیرون رفتی از آن نمی تواند جست.

● وضعیتی که ایران در سوریه بدان گرفتار است، اهرمی شده است در دست آمریکا. بهترین گزینه برای ایران اینست که وزنه خود را برای دست یافتن به یک حل و فصل از راه گفتگو بکار برد. بخصوص که ایران، بمثابه یک قدرت عمده در منطقه همواره خواسته است در گفتگوها بر سر صلح در سوریه شرکت داشته باشد. اینک، بیش از هر زمان دیگر، ایران مایوسانه می کوشد در کنفرانس ژنو ۲ شرکت داده شود تا مگر از بند وضعیت بس دشوار سوریه رها شود.

● اوباما می تواند اپوزسیون سوریه را در ژنو ۲ شرکت دهد اما نمی تواند مانع حضور ایران در این کنفرانس شود. تا این هنگام، استدلالها بر دعوت نکردن ایران به کنفرانس، پذیرفته بوده اند. از جمله این استدلال ها این استلال است که ایران خود جزئی از مسئله است. اما ایرانیان بدین خاطر که بر اسد نفوذ دارند، می توانند بخشی از راه حل باشند.

● با توجه به اصرار ایران بر حضور در کنفرانس ژنو ۲، حمله های محدود آمریکا به سوریه، چنان باشد که گفتگوها در باره مسئله اتمی ایران را برای مدتی دراز، به تأخیر اندازد. اما باید برگ برنده سوریه را برای وادار کردن ایران به شرکت در حل مسائلی



بکار برد که برای هر دو طرف مهمترین مسائل هستند.

نقش اسرائیل و عربستان در کودتای مصر و جنگ داخلی سوریه:

* رژیم جدید مصر با اسرائیل نزدیک تر از زمان مبارک است و انزوای حماس تشدید شده است:

مقاله را شازیا ارشاد نوشته و در ۹ سپتامبر ۲۰۱۳ انتشار داده است:

● ارتش مصر توانست کودتائی بر ضد رئیس جمهوری منتخب مصر انجام دهد. زیرا این اطمینان را داشت که امریکا به نقش خود بعنوان بانکدار رژیم مصر، ادامه خواهد داد. ارتش می دانست که از حمایت اسرائیل نیز برخوردار است. اینک ارتش مصر به اسرائیل بسیار نزدیک شده است. هارتنس، روزنامه اسرائیلی، از قول آموس هارل، می نویسد: روابط مصر با اسرائیل نزدیک تر از زمانی شده است که در دوره مبارک بود. بعد از کودتا، رژیم کودتا بود که به اسرائیل روی آورد برای این که امریکا با این رژیم به تفاهم برسند. با وجود این که برکناری رئیس جمهوری منتخب، کودتا بود و عموم کودتایش می خواندند، اسرائیل مانع از آن شد که حکومت امریکا آن را کودتا بخواند و تغییر رژیم را بپذیرد. اسرائیل با انجام این کار، اسرائیل اطمینان یافت که امریکا کمکهای نظامی خود را به ارتش مصر، قطع نخواهد کرد. زیرا اگر حکومت امریکا عمل را کودتا می خواند، برابر قانون کشور، کمکها قطع می شدند. ● نقش اسرائیل در بازداشتن حکومت اوپاما از مقابله با کودتا، سبب نزدیکی رژیم جدید مصر به اسرائیل شد. حتی در خود مصر، ارتش مصر نشان می دهد چه اندازه شکر گزار اسرائیل بخاطر ایفای این نقش است. ارتش مصر در عملیات خود در سینا هم از موافقت و هم از همکاری اسرائیل برخوردار است. ● مردم غزه مزه نزدیکی مصر با اسرائیل را روز مریه می چند. در هفته های اخیر، ارتش مصر تونلها را بسته است و مردم غزه را ناگزیر کرده است مواد نفتی را از اسرائیل به ۶ برابر قیمت وارد کنند. اقتصاد غزه که به یمن وجود تونلها نیازهای اساسی مردم غزه را تامین می کرد، این امکان را از دست داد و فشار اقتصادی بر مردم فلسطین بازم بیشتر شد. مضیقه ها که اسرائیل مقرر کرده است، اینک که تونلها بسته شده اند، عبور و مرور ساکنان غزه را به بیرون از غزه، بازم مشکل تر کرده است. حال اینکه در دوره مرسى، ساکنان غزه همه گونه ارتباط با خارج داشتند.

● رژیم جدید مصر در بهار با بر روی حماس نیز بسته است و البته اسرائیل از این کار بی راضی است. پیش از کودتا، در دوران حکومت مرسى، غزه از حمایت اخوان المسلمین، برخوردار بود. در نتیجه، حماس قوت گرفته بود. بدین خاطر، در سوریه، با رژیم اسد، در جنگ داخلی، برخورد می کرد. اما اینک که در مصر کودتا شده است، حماس بیش از پیش منزوی شده است. برای تضعیف بازم بیشتر حماس، ارتش مصر شایعه می پراکند که حماس در مصر دست به عملیات تروریستی می زند. هفته پیش که نسبت به وزیر کشور مصر سوء قصد شد، حماس به دست داشتن در این ترور، متهم شد.

خلع سلاح شیمیائی؟

است که خشونت تروریستی را بر می انگیزد.

● حمله انتحاری به وزیر کشور رژیم کودتا، کار اخوان نبود - آنها این عمل را محکوم نیز کردند - کار گروه های کوچک افراطی و شبکه هائی است که بسا توسط کسانی رهبری می شوند که وارد شدن اخوان را به تجربه دموکراسی، خطا می پندارند.

● برخی از اعضای اخوان المسلمین به گروه های افراطی پیوسته اند. با دستگیری مقامهای بلند پایه اخوان المسلمین، کار متقاعد کردن اعضا و طرفداران را که به گرد خشونت نکردند، مشکل می کند.

● گسترش تروریسم در مصر، حساسیت تصمیم گیرندگان امریکا را بیشتر خواهد کرد. به زودی، اشتغال خاطری نیز اشتغال خاطری که سوریه شده است، نخواهد شد. با وجود این، مهم است رویه های امریکا در مصر و سوریه را از برخی لحاظ، بررسی کنیم: وقتی مخالفان اصلی یک رژیم (مورد مصر)، مخالفان سیاسی معتقد به روشهای مسالمت آمیز هستند (که در انتخابات نیز پیروز شده اند)، حمایت امریکا از آنها، صفر بوده است. اما وقتی مخالفان رژیم تروریستهای افراطی هستند (مورد سوریه)، امریکا از آنها حمایت می کند و رژیم را تهدید به حمله نظامی می کند.

● بحفاظت قانونی، حکومت امریکا می باید کمک خود را قطع کند وقتی دولت قانونی کشوری با کودتا، سرنگون می شود. اما حکومت امریکا قانون را در مورد کودتای نظامیان در مصر، نادیده گرفت. وقتی قوانین بین المللی بکار بردن زور را جز در مقام دفاع از خود و یا صدور قطعنامه ای توسط شورای امنیت، ممنوع می کند، حمله به سوریه، باز هم نقض قانون و تجاوز به آن است.

● در عوض، رویه امریکا در مورد مصر و سوریه، پیروی از سیاست دولتی خارجی است که سالها است بر جهت یابی سیاست امریکا در خاور میانه مسلط است. هر چند دنباله روی امریکا از اسرائیل، فهم سیاست امریکا در منطقه را آسان می کند، اما از جنبه ای دیگر، این سیاست را ناهماهنگ و ویرانگر می گرداند. ویرانگر است، از جمله، به این خاطر که پیامی است به همه که در صورت روی آوردن به خشونت افراطی، می توان نظر امریکا را به خود جلب کرد. بسا آنها هم که در مصر به ترور روی می آورند، به این نتیجه رسیده باشند که تنها با توسل به خشونت است که می توانند رویه امریکا را در قبل رژیم کودتا تغییر دهند.

* آنچه سعودیها و ترکیه می خواهند از رهگذر جنگ سوریه بدست آورند؟

● در ۵ سپتامبر ۲۰۱۳، استراتفور برای این پرسش پاسخ زیر را ارائه کرده است: ● در همان حال که دخالت نظامی امریکا در سوریه موضوع بحث است، شماری از کارشناسان به مقاصدی که ترکیه و دولت سعودی در سوریه، دو متحد عمده امریکا در منطقه، تعقیب می کنند، پرداخته اند. هر دو دولت می خواهند امریکا حمله ای چنان مهم به سوریه بکنند که رژیم را ناتوان بگرداند. اما منافع آنها در آنچه به بعد از آن مربوط می شود با یکدیگر بسیار ناسازگار هستند. هرگاه امریکا تسلیم فشار این دو دولت نگردد، ظرف ۱۲ سال، این سومین جنگ خواهد شد که با یک کشور مسلمان می کند.

● در ۵ سپتامبر، وسائل ارتباط جمعی ترکیه گزارش کردند که این کشور، در

انتظار حمله امریکا به سوریه، قوای بیشتری در طول مرزهای خود با این کشور، مستقر کرده است. روزی پیش از آن، کری، وزیر خارجه امریکا گفت: کشورهای عرب گفته اند هزینه های حمله به سوریه را خواهند پرداخت. کری افزود: اجماع بین المللی وجود دارد برای حمله به سوریه. از جمله دولتهای سعودی و قطر و ترکیه و فرانسه آماده اند در حمله به سوریه، شرکت کنند.

● حق با جون کری است وقتی ترکیه و عربستان را همقطار می کند در مورد حمایت از حمله امریکا به سوریه. اما او از این امر غافل است که هم آنکارا و هم ریاض می خواهند امریکا رژیم سوریه را سرنگون کند. موافقت این دو دولت، در مورد سوریه، تا همین جا، است. بدین سان، سه کشور، اگر در حمله موافقت، در اندازه حمله و بیشتر از آن، در هدف حمله و در سرانجامی که جنگ در سوریه پیدا خواهد کرد، با یکدیگر، موافق نیستند:

● نه واشنگتن و نه آنکارا خواستار آن نیستند که رژیم بطور کامل سقوط کند. زیرا نمی خواهند جهادگرایان خارجی که در سوریه می جنگند، صاحب دولت سوریه شوند. تخنگان سیاسی ترکیه در این باره که جنگ تغییر رژیم تا کجا باید پیش برود، با یکدیگر، اختلاف نظر دارند. مسلم است که جنگ داخلی در سوریه، برای ترکیه، خطر ساز است. جدائی کردها در صورت سقوط رژیم سوریه برای ترکیه خطر دارد. اما جنگ سوریه فرصتها نیز برای آنکه ترکیه نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد، ایجاد می کند. حکومت امریکا می خواهد رأس رژیم اسد برود و بقیه آن بماند. امریکا علاقه ندارد ایران را بسود سنی های رادیکال تضعیف کند.

● سعودیها موقع متوقی دارند. بعد از دو سال اختلاف نظر، ریاض امیدوار است که امریکا را با گزینه نظامی موافق کرده است. سعودیها می خواهند امریکا دولت علوی ها را ویران بگرداند. تغییر رژیم در سوریه، عربستان را به مقابله با نفوذ ایران، بزرگ ترین دشمن خود، در منطقه، توانا می کند. بدین سان، سعودیها به مهار ایران و عراق و حزب الله لبنان قادر می شوند.

● ریاض می داند که سقوط رژیم اسد خلائی ایجاد می کند که آن جهادی های سوری و غیر سوری حاضر در سوریه بخواهند کرد. اما بدان اهمیتی نمی دهند. از دید سعودیها، این بهائی است که عربستان برای پایان دادن به نفوذ ایران در منطقه، باید بپردازد. در واقع، سعودیها بر این باورند که جهادی ها وسیله ای هستند که آنها می توانند بر ضد ایران و عربهای شیعه متحد ایران بکار برند.

● چشم انداز سعودیها اینست که بی ثباتی در سوریه، زبانی به آنها وارد نمی کند. برخلاف ترکیه، آنها با سوریه مرز مشترک ندارند. قدرت مالی آنها و این امر که تنها کشور هستند که جهادی ها را در درون مرزهای خود، شکست داده اند، به آنها اعتماد بنفس می دهد که می توانند جهادی ها را مهار کنند.

● آنکارا با ریاض در مورد تضعیف ایران توافق دارد اما نمی خواند تا آنجا دور بروند که سعودیها می خواهند. بدین سان، سعودیها و دولت ترکیه در حمایت از گروههای مسلحی که مطلوب هریک از آنها هستند، می کوشند و هریک هدفهای خود را تعقیب می کنند. اما این امریکا است که تعیین می کند حمله نظامی به رژیم سوریه چه اندازه باید خسارت وارد کند.

انقلاب اسلامی: اینک که می دانیم رویه

امریکا در مصر و سوریه، بخصوص سوریه، بر گفتگوها با رژیم ولایت فقیه اثر می گذارد، ببینیم در باره گفتگوها بر سر مشکل اتمی، چه گفته و نوشته اند:

برای نتیجه بخش شدن گفتگوها بر سر اتم باید از تحریمها کاست و یا بر آنها افزود؟

برای آنکه «مذاکره» برای مذاکره پذیرد و راه مصالحه باز شود، امریکا می باید مجازاتها را سبک کند:

مقاله را ریک گلاستون نوشته و نیویورک تایمز (۱۰ سپتامبر ۲۰۱۳) انتشار داده است:

● حکومت اوپاما، روز سه شنبه ۱۰ سپتامبر، مجازاتهای را که به فعالتهای انسانی و مبادله ورزشکاران مربوط می شوند را سبک کرد. و ظرف سال جاری، این دومین بار است که حکومت امریکا مجازاتها را سبک می کند. در ایران، روحانی به ریاست جمهوری رسیده است و او علاقه خود را به بهبود روابط با امریکا، اظهار کرده است. ● دفتر اداره کنترل ارزهای خارجی وزارت خزانه داری که مجازاتهای وضع شده بر ضد ایران را تحت نظارت خود دارد، اظهار کرد که موافقت مقامات حکومت را برای سبک کردن مجازاتهای که بهداشت و دارو و امداد و حفظ محیط زیست و هر آنچه به حقوق بشر مربوط می شود، بدست آورده است. فعالتهای ورزشی و تعلیم و تدریس ورزشکاران و مسابقه های ورزشی نیز مشمول تخفیف مجازاتها شده اند. بنا بر این تخفیف ها، نیاز نیست که مورد به مورد معافیت نامه صادر شود. هدف از این کار، «بایستندی حکومت امریکا به تقویت علائق میان دو ملت امریکا و ایران است».

● گروههای مدافع تخفیف مجازاتها از این اقدام اظهار رضایت کرده اند و گفته اند: سالها مبارزه کرده اند برای این که مبادلات انسانی و ورزشی، از بند تحریم، رها شوند. امروز، همچنان باید کوشید تا بخش بزرگی از مجازاتها که مردم عادی ایران از آنها زیان می بینند، لغو شود. رابطه دو ملت از طریق رفت و آمد ورزشکاران می تواند، برغم نبود رابطه میان دو دولت گسترش یابد. ● اغلب مجازاتهای که وزارت خزانه داری بر ضد ایران اعمال می کند در سالهای اخیر تشدید شده اند. با این هدف که ایران تحت فشار قرار بگیرد و به دادن امتیازها در آنچه به فعالتهای اتمش مربوط می شود، رضا دهد. ایران اصرار می ورزد که برنامه اتمش صلح آمیز است. اما غرب و اسرائیل بر این گمان هستند که ایران در پوشش برنامه صلح آمیز، مشغول تولید بمب اتمی است.

● در ماه گذشته، وزارت خزانه داری و وزارت خارجه امریکا شرکتی را



مجازات کردند که به ایران تکنولوژی ارتباطات تلفنی به ایران می فروختند. روحانی که در ماه ژوئن (خرداد) به ریاست جمهوری انتخاب شد و ماه پیش، ریاست جمهوری خود را شروع کرد، می گوید از انزوای ایران بکاهد و راه حل دیپلماتیک برای اختلاف ایران با غرب، پیدا کند. او گفت آیا ایران حاضر به دادن امتیازها هست یا خیر. اما در مصاحبه ای با تلویزیون دولتی ایران گفت: زمان برای حل مشکل امنی محدود است و «من امید کامل دارم که می توانم، مرحله به مرحله، این مشکل را حل کنیم».

● مخالفان مجازاتهای وضع شده بر این نظر هستند که آمریکا می باید مجازاتها را سبک کند تا که حل مشکل امنی آسان بگردد. از دید اینان، آمریکا باید ثابت بکند که قصدش آن نیست که هم از ایران امتیاز بگیرد و هم مجازاتها را لغو نکند. در حال حاضر، ایران از آمریکا می خواهد در ازای لغو مجازاتها، ایران امتیاز بدهد. اما آمریکا می گوید نخست ایران با آنچه کشورهای ۱+۵ می خواهند موافقت کند آنگاه آمریکا و اروپا، به تناسب، مجازاتها را سبک خواهند کرد. طرفداران سبک کردن مجازاتها می گویند منطقی اینست که آمریکا مجازاتهایی را که لغو می کند روی میز مذاکره بگذارد تا طرف ایرانی بداند چه می دهد و چه می ستاند.

● در ۲۲ شهریور ۹۲، حسن روحانی، و پوتین در پایان سیزدهمین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در بیشکک پایتخت قرقیزستان دیدار و در باره روابط دو جانبه و همکاری های منطقه ای و بین المللی گفت و گو کردند. به گزارش آسنا، روحانی گفته است: کشور روسیه به عنوان همسایه بزرگ ایران همواره مورد توجه همه دولت ها در ایران بوده و دولت جدید نیز در صدد توسعه و گسترش این روابط در تمامی عرصه ها است. امروز فرصت مناسبی ایجاد شده است که ایران و روسیه در مورد مسایل دو جانبه و مسایل حساس منطقه ای و بین المللی با هم تبادل نظر کنند و قطعاً این تبادل نظر در حل مسایل و مشکلات موثر خواهد بود. هر چه مشورت ها و تبادل نظرها بیشتر باشد به حل مشکلات و بحران های منطقه خاور میانه کمک بیشتری خواهد کرد. ابتکار مسکو در زمینه حل بحران سوریه و نیز قدمهایی که دولت روسیه در این زمینه برداشته امیدی را بوجود آورد که از یک جنگ جدید جلوگیری شود.

روحانی با اشاره به فعالیت های مسالمت آمیز هسته ای ایران گفته است: ما خواهان حل و فصل سریع این مساله در چارچوب مقررات بین المللی هستیم. روسیه در زمینه حل مساله هسته ای ایران قدم های مهمی را در گذشته برداشته است. امروز فرصت بهتری فراهم شده تا در این زمینه بتوان با همکاری و تبادل نظر مسایل هسته ای ایران را حل و فصل کرد.

● پوتین نیز گفته است: تهران و مسکو می توانند در زمینه های مختلف و در چارچوب همکاری های منطقه ای، دو جانبه و بین المللی از جمله سازمان همکاری شانگهای فعالیت های مشترک بیشتری انجام دهند.

خلع سلاح شیمیائی؟

«چیزی که برای هر دو طرف نتیجه بخش خواهد بود، داشتن اهداف مشترک است و این اهداف از این قرارند: اول این که برنامه هسته ای ایران باید صرفاً صلح آمیز باقی بماند؛ ظاهراً این هدف اعلام شده طرف دیگر یعنی گروه ۱+۵ است».

وزیر خارجه با تأکید بر این که ما به دنبال سلاح اتمی نیستیم و سلاح اتمی هیچ جایگاهی در دکترین امنیتی ایران ندارد بنابراین، در هدف اول اشتراک داریم. گفت: ما حالا می خواهیم در هدف دوم نیز اشتراک پیدا کنیم. تنها راه تضمین این که برنامه هسته ای ایران صلح آمیز باقی بماند این است که اجازه داده شود این برنامه در فضای قابل قبول و صلح آمیز بین المللی ادامه پیدا کند. چرا؟ چون ظرفیت های هسته ای ایران داخلی هستند؛ برنامه هسته ای ایران وابسته به خارج نیست به همین دلیل شما نمی توانید ایران را از چیزی که متعلق به خود این کشور است، محروم کنید. ظریف در پاسخ به این سؤال که «شما درباره مذاکرات هسته ای با گروه ۱+۵ خوش بین هستید؟» گفت: «من خوش بین هستم که ما با عزم حل مشکل وارد مذاکرات خواهیم شد. «رسیدن به پاسخ مثبت» شعار ما برای این مذاکرات است. اما باید دو طرف همکاری داشته باشند. اگر آمریکا و باقی کشورهای عضو گروه ۱+۵ آماده نیستند که به صورت جدی وارد این فرآیند شوند»، سارنوبی کامالا تفاوت در پیش خواهیم داشت».

انقلاب اسلامی: اهم سخنان ظریف و مقاله بهار در اینست که رژیم ولایت فقیه، نه برای حل مشکل که «برای مذاکره»، مذاکره می کرده است. اینک بالاخره متوجه شده است که این رو شبه زانانش تمام شده و برگ برنده ای در دست، آمریکا گشته است. اما خواننده انقلاب اسلامی به یاد می آورد که دست کم از ۴ سال به این طرف، مرتب نسبت به خطرناک بودن روشی که رژیم در پیش گرفته است، هشدار داده و خاطر نشان کرده ایم که بهای این روش بسیار سنگین خواهد شد. اینک باطور رسمی اعتراف می شود که حق با انقلاب اسلامی بوده است. با وجود این، هنوز طبل جنگ از صدا یافتاده است:

گزینه حمله نظامی به ایران، همچنان روی میز است:

● یک مقام ارشد ارتش سوریه به فارس نیوز (ارگان خبری سپاه) گفت: حمله نظامی آمریکا به سوریه، حمله متقابل به اسرائیل را موجه می گرداند.

● نتان یاهو نیز پاسخ داد: هرگونه حمله سوریه را به اسرائیل، پاسخ درخور خواهد داد.

● از نو، ارتش سوریه اعلام کرد هرگاه دمشق مورد حمله آمریکا قرار بگیرد، جواز حمله به اسرائیل است. اگر سوریه مورد حمله قرار بگیرد، اسرائیل نیز به آتش جنگ خواهد سوخت. حمله به سوریه، همسایگان این کشور را گرفتار جنگ خواهد کرد. بدین قرار، حمله به سوریه، فراوان حمله ها به اسرائیل را به دنبال خواهد داشت. نه توسط دمشق که توسط گروه های افراطی.

● حسین شیخ الاسلام، مشاور رئیس مجلس ایران به آمریکا هشدار داد که در صورت حمله نظامی به سوریه، حمله متقابل، قابل پیشگیری نیست. حمله به سوریه عاقلانه نیست.

● بخصوص وقتی پی آمدهای این حمله در منطقه مورد توجه قرار گیرند. حمله هوایی کافی نخواهد شد و حمله زمینی را اجتناب خواهد کرد و چنین حمله ای بس خطر ساز است.

● کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس مافابها نیز گفته است: حمله به سوریه اسرائیل را با مسائل بسیاری روبرو خواهد کرد.

● در همان تاریخ، چند مقام عالی رتبه حزب الله لبنان نیز به خبرگزاری کویتی الرای گفته اند: ما نسبت به مداخله نظامی غرب هشدار می دهیم که چنین حمله ای منطقه را گرفتار آتش جنگ خواهد کرد.

● بعد از دیدار وزیر خارجه با جعفری فلتنن، معاون دبیر کل سازمان ملل متحد، سخنگوی وزارت خارجه، در کنفرانس مطبوعاتی ۱۰ سپتامبر، گفته است: در مورد حمله احتمالی به سوریه، به فیلدمن با صراحت گفته شد: هرگونه حمله نظامی به سوریه، پی آمدهائی نه تنها برای سوریه بلکه برای تمامی منطقه، بار خواهد آورد.

● در ۹ سپتامبر، خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، در دیدار با سلطان قابوس، سلطان عمان، گفته است: اسرائیل تهدیدی برای همه منطقه است. رژیم فاسد صهیونیستی که زرادخانه بزرگی از اسلحه کشتار جمعی دارد، تهدید جدی برای منطقه است. منطقه نیاز دارد به اینکه همه کشورهای آن از امنیت برخوردار باشند. و برقرار شدن این امنیت نیاز دارد به امحای تمامی اسلحه کشتار جمعی.

● در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۳، شیمون پرز، رئیس جمهوری اسرائیل، گفته است: ایران می باید از سرنوشت سوریه درس بگیرد. هرگاه به اجرای برنامه اتمی خود ادامه دهد، همین رفتار که با سوریه شد، با ایران نیز خواهد شد. و در همان روز، اواما و کری در باره احتمال حمله نظامی به ایران سخن گفته اند:

● پروزدنت اواما در مصاحبه با ABC گفته است: برنامه اتمی ایران، بسیار مهمتری از اسلحه شیمیائی سوریه است. او استدلال کرد که برنامه اتمی ایران خطر بزرگ تری برای اسرائیل است و اهمیت بسیار بیشتری برای آمریکا دارد.

● اواما توضیح داد که خاطر ایران بابت مصالحه بوس سوریه، نباید آسوده باشد. زیرا اگر مصالحه ممکن شود و انجام گرفت، بدین خاطر بود که آمریکا سوریه را تهدید به حمله نظامی کرد.

● اواما گفته است در مورد سوریه نامه ای به روحانی نوشته و او پاسخ داده است. ظریف می گوید نامه اواما

● اواما در دیدار با خبرنگاران گفته است: «ما خواهی دید که برنامه هسته ای ایران هستند، یکسری اهداف را دنبال کنند و ما هم یکسری اهداف را دنبال کنیم، در این صورت جدال رخ می دهد و یازی کودکانی شکل می گیرد که در آن هر کسی به دنبال این است که بیشتر از دیگری امتیاز بگیرد». ظریف تأکید کرد:

«سردار» محمد باقری: هیچ کس جرأت حمله به ایران را ندارد:

● در ۸ سپتامبر ۲۰۱۳، مقام های امریکائی و اسرائیلی می گفتند به دنبال حمله نظامی به سوریه، نوبت حمله به ایران می رسد و فیصله کار سوریه مقدمه فیصله بخشیدن به کار رژیم ایران است، «سردار» محمد باقری، معاون رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران گفته است: هیچ قدرت خارجی جرأت حمله به ایران را ندارد. قوای دفاعی ایران تقویت گشته و اسلحه منصرف کننده ایران بیشتر شده اند. در مقایسه با گذشته، امروز ما در موقعیت دفاعی و امنیتی عالی هستیم.

دو رژیم خامنه ای و اسد: در صورت حمله به سوریه، اسرائیل مورد حمله قرار خواهد گرفت:

● واپسین «اخطار» رژیم های ایران و سوریه به آمریکا و اسرائیل، پیش از مصالحه آمریکا و روسیه، در ۱۰ سپتامبر داده شد: هرگاه سوریه مورد حمله نظامی قرار گیرد، هزاران موشک بسوی اسرائیل پرتاب خواهند شد.

● در ۲۲ شهریور ۹۲، حسن روحانی، و پوتین در پایان سیزدهمین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در بیشکک پایتخت قرقیزستان دیدار و در باره روابط دو جانبه و همکاری های منطقه ای و بین المللی گفت و گو کردند. به گزارش آسنا، روحانی گفته است: کشور روسیه به عنوان همسایه بزرگ ایران همواره مورد توجه همه دولت ها در ایران بوده و دولت جدید نیز در صدد توسعه و گسترش این روابط در تمامی عرصه ها است. امروز فرصت مناسبی ایجاد شده است که ایران و روسیه در مورد مسایل دو جانبه و مسایل حساس منطقه ای و بین المللی با هم تبادل نظر کنند و قطعاً این تبادل نظر در حل مسایل و مشکلات موثر خواهد بود. هر چه مشورت ها و تبادل نظرها بیشتر باشد به حل مشکلات و بحران های منطقه خاور میانه کمک بیشتری خواهد کرد. ابتکار مسکو در زمینه حل بحران سوریه و نیز قدمهایی که دولت روسیه در این زمینه برداشته امیدی را بوجود آورد که از یک جنگ جدید جلوگیری شود.

«سردار» محمد باقری: هیچ کس جرأت حمله به ایران را ندارد:

● در ۸ سپتامبر ۲۰۱۳، مقام های امریکائی و اسرائیلی می گفتند به دنبال حمله نظامی به سوریه، نوبت حمله به ایران می رسد و فیصله کار سوریه مقدمه فیصله بخشیدن به کار رژیم ایران است، «سردار» محمد باقری، معاون رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران گفته است: هیچ قدرت خارجی جرأت حمله به ایران را ندارد. قوای دفاعی ایران تقویت گشته و اسلحه منصرف کننده ایران بیشتر شده اند. در مقایسه با گذشته، امروز ما در موقعیت دفاعی و امنیتی عالی هستیم.

دو رژیم خامنه ای و اسد: در صورت حمله به سوریه، اسرائیل مورد حمله قرار خواهد گرفت:

● واپسین «اخطار» رژیم های ایران و سوریه به آمریکا و اسرائیل، پیش از مصالحه آمریکا و روسیه، در ۱۰ سپتامبر داده شد: هرگاه سوریه مورد حمله نظامی قرار گیرد، هزاران موشک بسوی اسرائیل پرتاب خواهند شد.

● در ۲۳ شهریور ۹۲، حسن روحانی، و پوتین در پایان سیزدهمین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در بیشکک پایتخت قرقیزستان دیدار و در باره روابط دو جانبه و همکاری های منطقه ای و بین المللی گفت و گو کردند. به گزارش آسنا، روحانی گفته است: کشور روسیه به عنوان همسایه بزرگ ایران همواره مورد توجه همه دولت ها در ایران بوده و دولت جدید نیز در صدد توسعه و گسترش این روابط در تمامی عرصه ها است. امروز فرصت مناسبی ایجاد شده است که ایران و روسیه در مورد مسایل دو جانبه و مسایل حساس منطقه ای و بین المللی با هم تبادل نظر کنند و قطعاً این تبادل نظر در حل مسایل و مشکلات موثر خواهد بود. هر چه مشورت ها و تبادل نظرها بیشتر باشد به حل مشکلات و بحران های منطقه خاور میانه کمک بیشتری خواهد کرد. ابتکار مسکو در زمینه حل بحران سوریه و نیز قدمهایی که دولت روسیه در این زمینه برداشته امیدی را بوجود آورد که از یک جنگ جدید جلوگیری شود.

● پوتین نیز گفته است: تهران و مسکو می توانند در زمینه های مختلف و در چارچوب همکاری های منطقه ای، دو جانبه و بین المللی از جمله سازمان همکاری شانگهای فعالیت های مشترک بیشتری انجام دهند.

● در ۲۲ شهریور ۹۲، حسن روحانی، و پوتین در پایان سیزدهمین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در بیشکک پایتخت قرقیزستان دیدار و در باره روابط دو جانبه و همکاری های منطقه ای و بین المللی گفت و گو کردند. به گزارش آسنا، روحانی گفته است: کشور روسیه به عنوان همسایه بزرگ ایران همواره مورد توجه همه دولت ها در ایران بوده و دولت جدید نیز در صدد توسعه و گسترش این روابط در تمامی عرصه ها است. امروز فرصت مناسبی ایجاد شده است که ایران و روسیه در مورد مسایل دو جانبه و مسایل حساس منطقه ای و بین المللی با هم تبادل نظر کنند و قطعاً این تبادل نظر در حل مسایل و مشکلات موثر خواهد بود. هر چه مشورت ها و تبادل نظرها بیشتر باشد به حل مشکلات و بحران های منطقه خاور میانه کمک بیشتری خواهد کرد. ابتکار مسکو در زمینه حل بحران سوریه و نیز قدمهایی که دولت روسیه در این زمینه برداشته امیدی را بوجود آورد که از یک جنگ جدید جلوگیری شود.



تار عنکبوتی روابط شخصی که خانواده خامنه‌ای عامل اتصال آنها به یکدیگر است:

انقلاب اسلامی: در شماره قبل بخشی از این روابط را انتشار دادیم و به محض انتشار برخی از دوستان و یاران در تماسی تصحیحاتی بر متن افزودند از جمله اینکه نام کوچک نوه مهدوی کنی سید محمد حسین میرلوحی می‌باشد و دوم اینکه محمدجواد ابروانی پدر سمیه ابروانی نیست بلکه پدر سمیه ابروانی عروس محمدی گلپایگانی آیه‌الله ابروانی می‌باشد که در تقرب مذاهب از سوی خامنه‌ای مشغول به کار و از وابستگان به محمد جواد ابروانی می‌باشد. یادآوری می‌شود معرفی افراد در این مقاله به صورت خلاصه می‌باشد و دراصل کتاب کامل آن آورده شده است.

* تار عنکبوت روابط شخصی نفت خواران و مفت خواران بر محور مجتبی خامنه‌ای:

بخشی دیگر از کتاب تار عنکبوت روابط خانوادگی ولی فقیه مطلقه: سید مجتبی حسینی خامنه‌ای فرزند دوم سید علی گسترده‌ترین روابط سببی و نسبی را برای آینده حکومت خود در اختیار دارد تا اگر خدای ناکرده روزی به عنوان رهبر انتخاب شد از لحاظ نیروهای وابسته کم نیاورد زیرا او مانند سید علی ۶ فرزند ندارد و تنها یک پسر که آنهم به زور دوا و دکترهای انگلیسی با هزینه‌ای چند میلیاردی به دنیا آمده است در ادامه به وابستگان سید مجتبی اشاره می‌گردد.

● حسینی خامنه‌ای ای - سید مجتبی - حجت الاسلام - فرزند دوم علی خامنه‌ای و از قسی‌القلب‌ترین افراد جامعه که در کلاس‌های آیه‌الله شاهرودی - مجتهدی تهرانی - خوشوقت - مصباح‌زیدی - نوری همدانی شبیری زنجانی - سید علی خامنه‌ای طلبگی کرده است.

سالم‌هاست که داعیه رهبری ایران را بعد از مرگ پدر، در سر می‌پروراند و همه کاره «بیت رهبر» است. وی داماد غلامعلی حداد عادل معروف به ابوالمشاغل، می‌باشد. بسیاری از جنایات و ترورها و سرکوب و دستگیری‌ها به پیشنهاد او و تصویب سید علی حسینی خامنه‌ای انجام می‌گیرد. از یاران نزدیک به او می‌توان از افرادی چون سعید امامی و محمد باقر ذوالقدر و ابراهیم ریسی و بابک زنجانی و مهدی طائب، محمد رضا نقدی و حسین طائب و حسین الله کرم نام برد. بابک زنجانی که از ثروتمندان طراز اول کشور شده است، تنها به وزارت نفت، ۲ میلیارد دلار بدهی دارد. از این رقم می‌توان به میزان خورد و برد او پی برد. روزی که احمدی نژاد نواز رشوه خواهی برادر علی لاریجانی را در مجلس پخش کرد، مجتبی خامنه‌ای نیز بابت بابک زنجانی، ضربه خورد.

● مجتبی، در مورد رهبری پدرش معتقد است که: خبرگان آقای خامنه‌ای را انتخاب نکرد، بلکه ایشان کشف را کردند که وی نایب امام زمان است و خدا این استعداد را به علما و خبرگان اعطا کرد تا ایشان را کشف کنند. محسن مخملباف در مورد سید مجتبی

حسینی خامنه‌ای و دارایی‌های او می‌نویسد:

«...در زمان آقای خاتمی ایرانسل به مناقصه گذاشته شد. مجتبی خامنه‌ای به دنبال آن بود که آفریقای جنوبی که به او پورسانت می‌داد، برنده مناقصه باشد، اما در یک مناقصه آزاد، شرکت ترک سل، برنده مناقصه شد. مجتبی ناراحت شد و به آقای خاتمی زنگ می‌زند که نگویید برنده مناقصه شرکت ترک سل شده است. آقای خاتمی به سلیمانی می‌گوید قانونی عمل کنید. سلیمانی اعلام می‌کند ترک سل قانوناً برنده شده است. مجتبی دست به دامان حداد عادل می‌شود. حداد به احمد توکلی می‌گوید که برنده شدن ترک سل خلاف امنیت ملی است و علیه دولت خاتمی تعداد زیادی مقاله نوشته می‌شود. خاتمی زیر بار نمی‌رود تا احمدی نژاد رئیس جمهور می‌شود. اولین کاری که احمدی نژاد می‌کند این است که قرارداد را بدهند به وزارت دفاع و ام‌تی‌ان به صورت مشارکتی. و بدین ترتیب مجتبی از آفریقای جنوبی پورسانت می‌گیرد که به حساب او در لندن ریخته می‌شود. (رجوع شود به سخنرانی‌های توکلی در این مورد و همین‌طور به سخنرانی‌های سلیمانی در سایت بازتاب در این باره) ... در حال حاضر بابت هر تلفن ایرانسل ۲ تومان و بابت هر اس‌ام‌اس یک تومان به مجتبی می‌رسد. این علاوه بر پولی است که از آفریقا به حساب او پورسانت ریخته می‌شود. هم چنین هر بشکه نفتی که به چین و هند فروخته می‌شود یک دلار به مجتبی می‌رسد.

چندی پیش یک میلیارد و ششصد میلیون پوند که به حساب مجتبی خامنه‌ای در لندن رفته بود به دلیل آن که معلوم نبود، از کجا آمده است توسط انگلیس مصادره شد.

مخملباف ادامه می‌دهد: ثروت مجتبی: ۳ میلیارد دلار است. ۲ میلیارد در لندن و سوریه و آفریقا و ۷۰۰ میلیون دلار ملک در سوریه، ونزوئلا و لندن و ۳۰۰ میلیون دلار نقد (الماس و طلا و دلار)

مجتبی از سال ۷۶ جایگزین حسن خامنه‌ای در نفت شد. بابت خرید بنزین تاکنون از هر تن، بین ۵ تا ۱۵ دلار حدود ۱ میلیارد دلار پورسانت گرفته است. در زمین: (یک قطعه ۵۰۰ هزار متری در مشهد مال اوست)، بزرگترین پاساژ و آپارتمان‌سازی مشهد مال مجتبی است. ۲۰۰ هزار متر زمین از قالیباف در تپه‌های عباس آباد گرفته است. ۱۵۰ هزار متر شاپینگ در اکباتان ساخته شده که مجوزش را از قالیباف گرفته (۵۰۰ میلیون دلار سود داشته است).

● در باره ثروت مجتبی خامنه‌ای، منابع دیگر نیز وجود دارند. از جمله:

۱ - نوری زاد در نامه ۲۶ خود به خامنه‌ای ای نوشته‌است که مجتبی از شهرام جزایری ۸۰۰ میلیون تومان گرفته است. آن زمان، ۸۰۰ میلیون تومان افزون بر ۹۰۰ هزار دلار می‌شد. جزایری نیز کسی بود که چهارچرخه داشت و در گوجه‌ها بستی می‌فروخت و از راه زد و بند ثرونی عظیم جست و پس از دستگیری او، فهرست رشوه‌هایی را انتشار داد که پرداخته بود. پرداخته نیز به «بیت رهبری» کرده بود.

۲ - و مقول است که وقتی هیاتی از قوه قضائیه نزد احمدی نژاد رفت و محتوای پرونده فساد مالی مشائی را با او در میان گذاشت، او هم گفت مدارک در

خلع سلاح شیمیایی؟

مجتبی، قالیباف، علی اشراقی را معزول می‌کند.

حداد عادل صاحب مجموعه آموزشی فرهنگ می‌باشد که پسرانه آن را خود و فرزندش مدیریت می‌کنند و دخترانه آن را همسر و دختر و...
● ماهروزاده، طیبه، همسر حدادعادل، در سال ۱۳۲۹ در تهران به دنیا آمد او دارای دکترای فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه تربیت معلم است. و این مشاغل را داشته است: مشاور اسبق وزیر علوم در امور زنان و خانواده و از موسسین دبیرستان‌های دخترانه فرهنگ و پژوهشگر نمونه دانشگاه الزهرا! و عضویت در شورای فرهنگی اجتماعی زنان و عضویت در هیات امنای سازمان انجمن اولیاء و مربیان و مدیر پژوهشکده مطالعات زنان دانشگاه الزهرا و دانشیار دانشگاه الزهرا و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضو هیات موسس انجمن فلسفه ایران و عضو هیات امنای سازمان انجمن اولیا و مربیان و موسس شبکه زنان دانشمند مسلمان و سردبیری چندین نشریه تخصصی.

● حداد عادل، آزاده، دختر بزرگ حداد عادل در سال ۱۳۵۴ به دنیا آمد و دارای دکترای فناوری نانو از دانشگاه کاناژابای ژاپن است. همسر وی پزشک است و او و همسرش به همراه فرزندانشان مدتی نیز در آمریکا جهت گذراندن دوره‌های تحقیقاتی و تحصیلی زندگی کرده‌اند. البته حضور و زندگی آزاد در خارج چندی در رسانه‌های کشور حواشی‌هایی برای او و خانواده‌اش ایجاد کرد. او به همراه مادرش شبکه زنان دانشمند جهان اسلام را ایجاد کرده‌اند.

● شکوری داماد حداد عادل و استاد دانشگاه.
● حداد عادل، فریدالدین، در سال ۱۳۵۲ به دنیا آمد و در حال حاضر دارای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق است و به ابن ابوالمشاغل معروف می‌باشد. او این مشاغل را تصدی کرده‌است و می‌کند: عضو شورای مرکزی رهپویان انقلاب اسلامی و سردبیر نشریه همسفری جوان و عضو هیات مدیره موسسه نسیمین نور - در مورد این موسسه و اعضای آن به انتهای مطلب توجه فرمایید و معاون دبیرستان غیر انتفاعی فرهنگ و از وارد کنندگان اتوموبیل پورشه به ایران و مشاور رئیس و مسئول جشنهای رونهایی کتاب در سازمان فرهنگی هنری شهرداری.
● داوودی، فاطمه، همسر فریدالدین حدادعادل که فرزند یک روحانی، قاضی مسئله دار است.

● حداد عادل، بنت‌الهدی، دختر آخر حداد عادل است که در سال ۱۳۶۴ به دنیا آمد و دارای مدرک کارشناسی ارشد فلسفه دین است.
● حداد عادل، سوسن، خواهر غلامعلی حداد عادل و مادر همسر خرسندیان و نجابت
● ترفی جاه، مسعود، باجناب حداد عادل و مدیر سابق شبکه رادیو گفتگو.
● ترفی جاه، علی، مدیر خدمات پس از فروش ایران خودرو.

* حلقه وصل حداد عادل و نجابت:

● خرسندیان، داماد خواهر غلامعلی حداد عادل و باجناب محمود نجابت، استاد حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز
● نجابت، محمود، معاون دانشگاه علوم پزشکی، باجناب دکتر خرسندیان که همسر خواهرزاده حداد عادل می‌باشد
● نجابت، احمد، متولد ۳۰ مرداد ۱۳۲۳، برادر محمود و غلامحسین، او

اختیار است که مجتبی خامنه‌ای ای ۱/۶ میلیارد یورو اندوخته است. هرگاه قول می‌دهید هر دو پرونده را با هم مورد رسیدگی قرار دهید، با استعفا مشائی موافقت می‌کنم.
۳ - در اسناد وکیلیکس که انقلاب اسلامی انتشار داده است، سند در باره خورد و برد مجتبی خامنه‌ای وجود داشت.
۴ - در خبر است که بانک «تات» با سرمایه ۲۴۴ میلیارد تومان تأسیس شده است. ۱۴۰ میلیارد تومان از این سرمایه، وجوه شرعیه بازمانده از آیه‌الله حجت و ۸۴ میلیارد دلار وجوه شرعیه باز مانده از آیه‌الله فاضل لنکرانی است. بدستور خامنه‌ای، حداد عادل و مجتبی متصدی شده‌اند.

● حداد عادل که خود متهم به خورد و برد است، منکر خورد و بردهای داماد خویش است.

* حداد عادل:

زهرا، دختر غلامعلی حدادعادل در سال ۱۳۵۸ به دنیا آمد و دارای کارشناسی ارشد مدیریت خبر از دانشگاه صداوسیما می‌باشد. او همسر مجتبی خامنه‌ای از عوامل کودتای انتخاباتی سال ۸۴ و ۸۸ می‌باشد دخالت او بود که سبب شد نام حداد عادل از صندوق‌های آرای مجلس ششم به جای رجایی بیرون آید.

● حسینی خامنه‌ای، سید جواد، فرزند سید مجتبی حسینی خامنه‌ای و زهرا حداد عادل نوه سید علی حسینی خامنه‌ای و غلامعلی حداد عادل است.

● حداد عادل، غلامعلی، پسر رضا که نام قبلی اش غلامعلی مشهدی محمد علی حداد بود در سال ۱۳۲۴ در تهران به دنیا آمد و با داشتن دکترای فلسفه دارای سوابق زیر می‌باشد:

معاون وزیر آموزش و پرورش و عضو هیات امنای بنیاد دائره‌المعارف اسلامی و مدیرعامل بنیاد دانشنامه جهان اسلام از ۷۴ تاکنون و معاون پژوهشی وزارت آموزش و پرورش و عضو شورای سرپرستی سازمان صدا و سیما و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی دوره ششم، هفتم و هشتم و هم و عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و دریافت کننده نشان درجه دو تعلیم و تربیت ۲/۴/۱۳۷۴ و دانشیار فلسفه دانشگاه تهران و ریاست مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم و هشتم و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم و مشاور عالی خامنه‌ای و در سال ۱۳۸۷ در رشته فلسفه به عنوان چهره ماندگار! انتخاب شد وی جایزه دانشمند جهان اسلام را نیز دریافت کرده است!

محسن مخملباف در مقاله زندگی خامنه‌ای در مورد حداد عادل و سید مجتبی حسینی خامنه‌ای می‌نویسد: حداد نه مجتبی می‌گوید برای زمین من از قالیباف مجوز مسکونی تجاری بگیر.

...حداد عادل یک زمین ۳۰۰ هزار متری که انبار است را در شمال میدان رسالت مالک است. این زمین متری ۲۰۰ هزار تومان می‌ارزید که توسط قالیباف به یک ملک مسکونی - تجاری تبدیل شد. در نتیجه این عمل زمین ۳۰۰ هزار متری انبار که متری ۲۰۰ هزار تومان می‌ارزید، یکباره به متری ۳ میلیون تومان تبدیل شد. علی اشراقی (نوه خمینی) با واگذاری زمین به حداد عادل مخالفت می‌کند. اما، به توصیه

این مشاغل را تصدی کرده‌است و می‌کند:

نماینده مجلس دور چهارم شورای اسلامی و مدیر کل بازرسی و مشاور وزیر بهداشت کامران باقری لنکرانی و معاون معاونت توسعه انسانی رئیس جمهوری احمدی نژاد و رئیس مرکز رسیدگی به تخلفات کارکنان دولت و عضو هیات مدیره کانون فرهنگی بصیرت شیراز و عضو شورای مرکزی جمعیت اینترگران.

● نجابت، علی رضا، فرزند احمد نجابت و برادر عروس آیه‌الله خائری شیرازی و معاون صدا و سمپا استان فارس.

● نجابت، غلامحسین، متولد ۱۳۳۲ شمسی، اهل شیراز و برادر احمد و محمدرضا نجابت دارای دکترای هسته‌ای از دانشگاه دورهام انگلیس. او داماد آیه‌الله نورالدین حسینی الهاشمی و باجناب آیت‌الله صادق خائری شیرازی - رضازاده و... ساکن قم. با این مشاغل: ریاست سازمان تعاون روستایی کل کشور و مشاور وزیر کشاورزی و ریاست سازمان میادین میوه تره استان تهران و عضو هیئت امناء فرهنگستان علوم اسلامی قم و عضو هیئت موسس موسسه مفید قم و مشاور سیاسی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و قائم مقام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی دور هشتم و نماینده دوره‌های هفتم - هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی و عضو جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی و عضو جمعیت اینترگران انقلاب اسلامی و عضو کمیسیون انرژی، مجلس شورای اسلامی و مدیرعامل شرکت مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی.

● غلامحسین با توجه به حضور در کمیسیون انرژی بعداً به لوله‌های نفت و پتروشیمی وصل شد اما به دلیل تخصص! خسارات فراوانی را ببار آورد به خبر زیر توجه کنید:

به گزارش روابط عمومی بانک صادرات ایران، بنا بر حکم محمد ربیع‌زاده، رئیس هیات مدیره شرکت انرژی سپهر، مهندس سید محسن تسلطی، جایگزین مهندس غلامحسین نجابت، به سمت مدیرعامل شرکت انرژی سپهر منصوب شد. شرکت انرژی سپهر با حمایت مالی بانک صادرات به وجود آمد. این شرکت در اوایل کار خود یک پروژه ۱۰ میلیارد دلاری شامل ۵ پروژه پتروشیمی، دو پروژه گازی و یک پروژه توسعه میدان را در دستور کار قرار داد. در همین راستا، در آذر ماه سال ۱۳۸۹، این قراردادها به ارزش تقریبی چهار میلیارد دلار بین شرکت ملی گاز (با سهم ۲۰ درصدی) و انرژی سپهر به عنوان هلدینگ نفتی بانک صادرات (با مشارکت ۸۰ درصدی) امضا شد.

سرمایه ثابت پروژه بید بلند دو، ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار و پارسیان ۷۰۰ میلیون دلار بود که با هدف استحصال هیدروکربونهای متان، اتان، پروپان، بوتان و C5+ بین طرفین منعقد شد.

با آنکه قرارداد مشارکت در ساخت این دو پالایشگاه اواخر آذر ماه ۱۳۸۹ میان شرکت ملی گاز و شرکت انرژی سپهر به امضا رسید، اما به دلیل تغییر مدیرعامل بانک صادرات و روی کار آمدن مدیر جدید و مخالفت صریح وی با ایده سرمایه‌گذاری بانک‌های داخلی برای کاهش آثار تحریم‌ها بر صنعت نفت، پیشرفت این طرح در مقطعی کند شد و با تغییر مدیریت شرکت انرژی سپهر عملاً متوقف شد.

شایان ذکر است که نرخ بازگشت سرمایه این دو پروژه در حدود ۲۲ درصد است که تاخیر دوساله ایجاد شده توسط مدیرعامل جدید بانک صادرات، با فرض دلار متوسط ۲۰۰۰ تومان و



WACC= 0.20 عدم النفعی حدود
۷۰۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (۷۰۴ میلیارد
تومان) بر بانک صادرات تحمیل کرده
است.

شاید این مثال کوچک نایدی باشد
بر این اصل کلیدی که بسیاری از
مشکلات کنونی اقتصادی، ناشی از عدم
کفایت و ناکارآمدی مدیران و
تصمیمات غلط داخلی است تا
تحریم‌های بین‌المللی.
غلامحسین نجابت که آنگونه خسارت
وارد ساخت تصمیم به سرمایه‌گذاری و
کار در ونزوئلا گرفت. در خیر آمده
است که «به گزارش شانا به نقل از
خبرگزاری icis news، مهندس
غلامحسین نجابت که اواخر سال
گذشته میلادی به این سمت منصوب
شد، نقش ویژه‌ای را در احیای برنامه
سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی
ایران ایفا کرد. وی تجربه طولانی در
این سمت دارد و متخصص توسعه
طرح‌هاست.

نجابت پیش از این مدیرعامل شرکت
مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی بوده و
هم‌اکنون نیز معاون وزیر نفت در امور
پتروشیمی است.

امسال چند طرح پتروشیمی در ایران
به بهره‌برداری رسیده‌اند و چند طرح
دیگر هم به مراحل پایانی ساخت
نزدیک می‌شوند.

در این گزارش آمده است: شرکت ملی
صنایع پتروشیمی هم‌اکنون در نظر
دارد در یک تفاهنامه دو جانبه برای
احداث واحدهای متانول و آمونیاک در
ونزوئلا سرمایه‌گذاری کند.

جالب‌تر اینکه نجابت به هنگام
معرفی وزرا از سوی حسن روحانی در
مصاحبه‌ای مدعی می‌شود که حسین
نجابت گفت: با توجه به این که نفت
مونوپل محرک توسعه ملی است و به این
جهت فردی که برای این حوزه معرف
می‌شود باید در حد و اندازه این حوزه
باشد. وزیر نفت آینده باید در حوزه
روابط بین‌الملل و توسعه جایگاه ایران
در اوپک، منطقه و جهان با توجه به
ذخائر هیدروکربنی ایران باشد.

به گفته حسین نجابت مدیرعامل
اسبق پتروشیمی در حال حاضر ۷۲ واحد
پتروشیمی با پیشرفت ۱۱ درصدی
بالا تکلیف باقی مانده‌اند که باید برای به
دست آوردن ارزش افزوده بالاتر وزیر
نفت یازدهم به فکر توسعه آنها باشد.
این امر در حوزه‌های مشترک گازی نیز
صدق می‌کند و باید حق تضعیف شده از
ما از سوی قطر را با توسعه میادین
مشترک به دست آوریم.

● نجابت، محمد حسین سردار سپاه،
فرمانده اسبق فرارگاه تارالله.
● نجابت، علیرضا، از فرماندهان ارشد
نیرویانظامی در فارس.
انقلاب اسلامی: روحانی و «وزیران» او
خود در تار عنکبوت روابط شخصی
قدرت و دست نشانده‌اند:

«وزیران» روحانی چه سوابقی دارند؟

انقلاب اسلامی: حسن روحانی و یک
چند از «وزیران» عضو حکومت او
را، در گذشته، به تفصیل، معرفی
کرده‌ایم. از این‌رو، به معرفی مختصر
اکتفا می‌کنیم:

* مصطفی پورمحمدی و سوابق وی:

● حجت الاسلام مصطفی پورمحمدی
- وزیرمورد نظر صادق لاریجانی که
«نماینده» مجلس برای اینکه معلوم
نشود منظور لاریجانی است از عنوان
آیه‌الله آملی استفاده کرد اما ناشیگری
علی لاریجانی در جلسه بعد از ظهر

خلع سلاح شیمیایی؟

یک کارد - جاقو - آن را به میز چسبانده
بودند. بر کاغذ نوشته بود: دست از
مخالفت با وزارت پور محمدی بردارم
وگرنه کارم با کارد است (تقل به
مضمون).

-مصطفی پور محمدی (زاده ۱۳۳۸ در
قم) رئیس سازمان بازرسی کل کشور تا
قبل از معرفی جهت وزارت دادگستری
و وزیر اسبق کشور در دولت احمدی
نژاد و معاون برون مرزی وزیر و او را
در دوران علی فلاحیان و عضو
اطلاعات بیت رهبری بعد از قتل‌های
زنجیره‌ای و قاضی و حاکم شرع ۴۰
ساله به عنوان دادستان دادگاه‌های
انقلاب خوزستان - خراسان -
هرمزگان و صادر کننده حکم اعدام
برای بیش از ۱۰۰ نفر در زندان شهرک
بندرعباس و از اعضای معرفی شده
خمینی در گروه سه نفره جهت اعدام
زندانیان سیاسی در سال ۶۷ که منجر به
اعدام هزاران نفر شد. و از عوامل دخیل
در قتل‌ها - ترورها - انفجارات خارجی
و داخلی و رئیس هیات انسانی مرکز
اسناد انقلاب اسلامی در کنار روح‌الله
حسینیان و از اساتید دانشگاه امام
صادق.

● آیه‌الله منتظری در مورد پورمحمدی
می‌گوید:

به آیه‌الله موسوی اردبیلی که آن زمان
رئیس شورای عالی قضایی بودند پیغام
دادم: مگر قاضی‌های شما اینها را به پنج
یا ده سال زندان محکوم نکرده‌اند؟ مگر
شما مسئول نبودید؟... حتی افرادی که
نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند،
طرف را نمی‌آوردند به او می‌گفتند بگو
غلط کردم، او هم به شخصیتش
برمی‌خورد نمی‌گفت، می‌گفتند پس تو
سرموضع هستی و او را اعدام می‌کردند!

در همین قم یکی از مسئولین قضایی
آمد پیش من و از مسئول اطلاعات قم
گله می‌کرد که می‌گویند تندتند اینها را
بکشیم از شرشان راحت شویم، من
می‌گویم آخر پرونده‌های اینها را بررسی
کنیم یک تجدید نظری در حکم اینها
بکنیم، می‌گوید حکم اینها را امام صادر
کرده ما فقط باید تشخیص موضع
بدهیم. به بعضی افراد می‌گویند تو سر
موضعی؟! او هم نمی‌داند که قضیه از
چه قرار است می‌گوید بله، فوری او را
می‌برند اعدام می‌کنند... اول محرم
شد، من آقای نیری که قاضی شرع اوین
و آقای اشراقی که دادستان بود و آقای
رئیس‌ی معاون دادستان و آقای
پورمحمدی که نماینده اطلاعات بود را
خواستیم و گفتم الان محرم است

حدافل در محرم از اعدام‌ها دست
نگهدارید، آقای نیری گفت: «ما تا الان
هفتصد و پنجاه نفر را در تهران اعدام
کرده‌ایم، دویست نفر را هم به عنوان
سرموضع از بقیه جدا کرده‌ایم. کلک
اینها را هم بکنیم بعد هر چه بفرمایید...»

(خاطرات آیت‌الله منتظری، ج ۱
صص ۶۲۸ و ۶۳۵)

● عبدالله شهبازی در مورد پورمحمدی
و حمله به اتوبوس بازرگانان آمریکایی
می‌گوید:

«...آقای حسینیان احتمالاً از اتومبیل
پژو استفاده می‌کنند و اتومبیل زانتیا
(متعلق به کمپانی سیتروئن) را در
خیابان‌های تهران فراوان دیده‌اند.
ایشان قطعاً از قراردادهای بزرگ نفت و
گاز ایران با کمپانی‌های رویال داچ شل
و توتال فرانسه مطلع‌اند و احتمالاً، از
طریق دوست صمیمی و دیرین خود،
آقای مصطفی پورمحمدی، معاون
بیشین اطلاعات خارجی وزارت
اطلاعات، نام کمپانی کلینورت بنسون،

حالی که در آن زمان دهنده سفر بزرگ‌ترین
هیئت اقتصادی انگلیس به جمهوری
اسلامی ایران را شنیده‌اند. سفر این
هیئت به ایران پس از حمله به اتوبوس
گروه‌های از بازرگانان غیرسیاسی
آمریکایی در تهران (نیمه شب ۲۹ آبان
۱۳۷۷)، به دستور آقای پورمحمدی و
توسط تیم عملیاتی به سرپرستی آقای
جواد وعیدی (همشهری بنده از محله
گودعربان شیراز که پدرشان کارمند
شرکت نفت در آبادان بودند)، رخ داد.

آقای حسینیان یقیناً، با توجه به
مطالعات «عمیقی» که در سال‌های
اخیر در مرکز اسناد انقلاب اسلامی
داشته‌اند، می‌دانند که کمپانی کلینورت
بنسون یکی از سرشناس‌ترین
کمپانی‌های دلالی و مالی متعلق به
کانون‌های صهیونیستی است که در
میان محققین غرب به ارتباط با سرویس
اطلاعاتی بریتانیا (ام. آی. ۶) شهره
است و در افشگری‌های سال‌های
اخیر، از جمله در کتاب‌های استنفن
دوریل محقق سرشناس انگلیسی، روشن
شده که در دوران جنگ تحمیلی با
حکومت صدام روابط گسترده داشته.
(برای آشنایی بیش‌تر با کمپانی‌های
عضو این هیئت بزرگ انگلیسی-
صهیونیستی بگردید به: عبدالله شهبازی،
«سیمای خانوادگی جرج کندی یانگ،
طراح و فرمانده کودتای ۲۸ مرداد
۱۳۳۲»، فصلنامه مطالعات تاریخی،
نشریه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های
سیاسی، سال اول، شماره اول، زمستان
۱۳۸۲، صص ۲۶ [۶] جرمی هتلی، رئیس
هیئت بلندپایه فوق، در آن زمان گفت:
«انگلستان اکنون فرصتی یافته است تا
زمان از دست رفته بیست سال گذشته را
در کشوری که همچنان نقش عمده‌ای
در خاورمیانه دارد جبران کند؛ کشوری
که یکی از بزرگ‌ترین بازارهای منطقه را
در اختیار دارد.» (روزنامه نشاط،
دوشنبه ۷ تیرماه ۱۳۷۸، صص ۱۰)

● حسینیان می‌تواند به روزشمار وقایع
آن زمان مراجعه کنند. خواهند دید که
در روز یکشنبه ۲۳ آبان ۱۳۷۸ قرارداد
بزرگ ایران با کمپانی رویال داچ شل
منعقد شد، در فردای آن روز، دوشنبه
۲۴ آبان، مجلس لایحه‌ای را تصویب
کرد که طبق آن «انجام فعالیت‌های
مربوط به عملیات اکتشاف، استخراج،
پالایش، پخش و حمل و نقل مواد نفتی
و فراورده‌های اصلی و فرعی آن با
رعایت اصل ۳۲ قانون اساسی توسط
بخش غیردولتی» مجاز شد. (روزنامه
اخبار اقتصاد، شماره ۵۶، سه‌شنبه ۲۵
آبان ۱۳۷۸) این یعنی شروع فعالیت
«مافیای نفت و گاز ایران». و در آذر
۱۳۷۸، مجتمع بانکی HSBC، متعلق
به همین کانون صهیونیستی، فعالیت
خود را، که از زمان انقلاب متوقف شده
بود، در تهران از سر گرفت.

● در مورد ارتباط این چند نفر، محققان
باید تلاش نمایند تا چهره آنها در تاریخ
انقلاب ایران روشن شود چند نفری که
از ابتدای انقلاب در کنار هم بودند و به
جرات می‌توان گفت که بیش از دو هزار
نفر توسط این گروه به اعدام محکوم
شدند. علی رازینی - مصطفی پور
محمدی - روح‌الله حسینیان - محسنی
اژه‌ای و علی فلاحیان. البته در کنار این
افراد نام اصغر مبر حجازی نباید
فراموش شود که همه بر حول آقای
خامنه‌ای چنبره زده‌اند.

حال این شخص قرار است بشود وزیر
دادگستری برخی‌ها می‌گویند که
انتخاب پورمحمدی برای این است که
اگر کسی بخواهد چوب لای چرخ
حسن روحانی بگذارد حضور

جنایتکاری مانند پورمحمدی موجب
تیر و وحشت او شود! به هر حال این
وزیر سهمیه قوه قضائیه است.

حسن روحانی به هنگام معرفی او
گفت: جناب آقای پورمحمدی وزیر
دادگستری / سالها وزیر کشور بودند و
مسئولیت‌های دیگر را به‌عهده داشتند /
رئیس سازمان بازرسی کل کشور بودند
در این سالها / ایشان دارای تحصیلات
در سطح اجتهاد است و چهره موفقی
بودند هم بخش اجرا و هم بخش قضا
را تجربه کردند. الان هم به عنوان
حوزه استاد و دانشگاه مشغول فعالیت
تحصیلی هستند.

● در رابطه با پورمحمدی آقای
بخشایش نماینده اردستان که یکی از
نماینده‌گان امنیتی و اطلاعاتی در این
زمینه بود گفت:

«...از طرف دیگر ایشان در سال ۹۰
قراردادی با معاونت اجرایی مجلس به
مبلغ دو میلیارد تومان منعقد کرد که
۵۰۰ میلیون تومان را گرفت و بقیه را
نگرفت و کار را رها کرد. سؤال این
است اصلاً چرا با مجلس قرارداد بست؟
سازمان نظارتی به معنای نهاد بی طرف
چرا باید خودش را با طرف جلوه
دهد؟»

نماینده مردم اردستان با بیان اینکه
تازه ما این مورد را فهمیدیم، گفت: «آیا
آقای پورمحمدی با سازمانهای دیگر
قرارداد بسته یا بسته است؟ که ما نمی
دانیم و ایشان خود باید توضیح دهد. از
سوی دیگر وظیفه سازمانی ایشان
نظارت بوده و چنین قراردادهایی
موجب شده است از وظیفه بی طرفی
خود خارج شود.

بخشایش گفت: آقای پورمحمدی وقتی
در وزارت کشور بود مبلغ ۲۰ میلیارد
تومان را از اعتبارات داخلی وزارت کشور
برداشت می‌کند و به شرکت تعاونی
کارکنان این وزارتخانه می‌دهد که این
پول هنوز به حساب این وزارتخانه
نازنگشته و برای آن پرونده هم تشکیل
شده است که خودشان حتماً پاسخگو
هستند.»

وی افزود: «آقای پورمحمدی کار
مبارزه را مفاصد را بر عهده دارد اما در
نامه‌ای به معاونت عمرانی خود دستور
می‌دهد از تبصره ۱۳ ستاد سوخت مبلغ
۵۰۰ میلیون تومان در اختیار دفترش
قرار گیرد که ایشان این پول را به آقای
مسعود (میم) می‌دهد که همواره به
نامبرده با ایشان می‌آمده و جدیداً به
رحمت خدا رفته و این پول نیز بر نگشته
است. جناب پورمحمدی در یک جای
دیگر به معاونت عمرانی خود می‌گوید
۱۰ میلیارد تومان در اختیارم قرار دهید
که این پول به آقای کاووس (ی) داده
می‌شود که نامبرده در حال حاضر در
شهرک غرب به کار برج سازی مشغول
است. به دنبال این دو بند که به امضاء
آقای رحمانی فضلی که در این جا
حضور دارند رسیده است پرونده‌ای در
دادسرای کارکنان دولت تشکیل می‌شود
که شاکه آن وزارت اطلاعات است.

قاضی این پرونده یکی از قضات شریف و
در حال حاضر نماینده مجلس است.
آقای پورمحمدی با اعمال نفوذ این
قاضی را از قضاوت بر می‌دارد و پرونده
را به جای دیگر منتقل می‌کند و در حال
حاضر این پرونده خاک می‌خورد،
چرا؟»

بخشایش در ادامه به نامه‌ای از
مصطفی علی اصغرپور به رحمانی فضلی
اشاره کرد و افزود: «این نامه هم به
دادسرا ارجاع شده است و مدارکی دارد
و اگر من اشتباه می‌گویم، اشتباهم را
می‌پذیرم. بر اساس این نامه، برای
توسعه حمل و نقل عمومی در سال ۸۵،
قرار چهار میلیارد دلار از طریق فاینانس
و یک میلیارد دلار از حساب ذخیره
ارزی برای تأمین شش هزار و ۵۰۰
اتوبوس در وزارت کشور اقدام و
کارسازی شود.

آقای پورمحمدی در سال ۸۵، با
ترک تشریفات مناقصه می‌آید ۵۰۰

در صفحه ۹



خلع سلاح شیمیایی؟

متعهد کرده است استانداران را تنها با نظر شخص رئیس جمهور معرفی کند- بدون مخالفت و موافق رای اعتماد خود را از نمایندگان مجلس گرفت.

* محمد رضا نعمت زاده:

● محمد رضا نعمت زاده متولد ۱۳۲۴ تبریز لیسانس محیط زیست و فوق لیسانس مدیریت صنعتی دانشگاه کالیفرنیا و وزیر کار در سال ۱۳۵۸ و وزیر صنایع در دولت های رجایی و هاشمی و معاونت وزارت نفت در امور پتروشیمی در کابینه خاتمی و معاونت وزارت نفت در امور پخش و پالایش در کابینه احمدی نژاد و وزیر پیشنهادی حسن روحانی که سابقه نابودی اموال ملت و حاتم بخشی به مقامات را در پرونده خود دارد.

● نعمت زاده در دورانی که وزیر صنایع و معادن بود معادن و کارخانه های فراوانی را در اختیار برخی روحانیون و وابستگان به نظام قرار داد. بخش هایی از افشگری های عباس پالیزدار دبیر و سخنگوی کمیته بررسی قوه قضائیه در همدان را می آوریم. البته این مطلب سالها قبل در نشریه یا لئارات الحسین در مورد شرکت لاستیک دنا و حاتم بخشی های نعمت زاده فعلی که وزیر معرفی شده حسن روحانی و آن زمان وزیر نفت بخشی ها بود انتشار یافته است.

عباس پالیزدار دبیر کمیته تحقیق و تفحص از قوه قضائیه در دانشگاه همدان می گوید: «... یک دانشکده ای را از مقام معظم رهبری اجازه تاسیس اش را گرفتند. آمدند نزد مقام معظم رهبری گفتند که می خواهیم یک دانشگاه علوم قضایی برای خواهران بسازیم در قم. با این توضیح که خواهران، به کارهای قضایی [اعم از بازجویی و بازپرسی و غیره] بانوان برسند. آقا هم استقبال کردند و مجوز تاسیس دانشکده را به این عده دادند.

بلافاصله بعد از مجوز رفتند سراغ سایپورت مالی. نامه نوشتند به آقای نعمت زاده [وزیر صنایع دولت هاشمی رفسنجانی] مقام فعلی وزارت نفت که محبت فرمائید برای تاسیس دانشکده قضایی خواهران، کارخانه لاستیک دنا! را کارشناسی کنید جهت این دانشکده! از آنجا که موسسین دانشکده در دستگاه قضایی دخیل بودند، کارشناسان دادگستری ترسیدند و رقم کارشناسی کارخانه را ۱۲۶ میلیارد تومان اعلام کردند، تا خوش بحال موسسین دانشکده شود. بعد از آن نیز در شورای عالی امنیت ملی نقش معاونت وی را بر عهده داشت و در مجلس نیز نقش دنباله رویی از او را بر عهده گرفته بود.

رحمانی فضلی، (متولد ۱۳۳۸ در شیروان) کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکترای جغرافیا و رئیس دیوان محاسبات کشور و نماینده دوره چهارم مجلس از شیروان و قائم مقام شورای عالی امنیت ملی در کنار علی لاریجانی و معاون اجتماعی، فرهنگی رسانه های دز دوره دکتر علی لاریجانی در صدا و سیما و ریاست دوره های اجلاس سازمان همکاریهای اقتصادی منطقه ای (اگو) و رئیس حوزه خبر «اتحادیه رادیو و تلویزیون های آسیا و اقیانوسیه» (ABU) همراه حسن خجسته باقرزاده برادر همسر سید علی خامنه ای و معاون صدا و سیما و استاد دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی تهران و معاون علی لاریجانی در شورای عالی صدا و سیما. در انتخابات ریاست جمهوری نهم در سال ۱۳۸۴، او ریاست ستاد انتخابات صدا و سیما را بر عهده داشت.

وزیر پیشنهادی حسن روحانی جهت تصدی وزارت کشور - برخی معتقدند حسن روحانی گفته است که وی را

دستگاه اتوبوس مدل بوتانگ چین را به شرکت پرسان سیاهان واگذار می کند در حالی که این شرکت در آن زمان اصلا وجود خارجی نداشته است و وقتی شرکتی وجود ندارد چگونه جوه دولتی با ترک نشریات به آن شرکت موهوم واگذار می شود؟

همچنین در توافقی دیگر در تاریخ ۸۵،۹،۷ بین وزارت کشور به وزیر آفای پورمحمدی و شرکت خصوصی توسعه اقتصادی چین چین (که اسم آن هم عجیب است) می آید که طرف ایرانی می گوید می خواهیم محصولات، خدمات، اجرا و توسعه پروژه ها در زمینه های حمل و نقل عمومی طراحی و ساخت هتل، مسکن و مراکز تجاری را به ارزش سه و نیم میلیارد دلار بخریم. در بند ۷ این توافق نامه تصریح شده است: چنانچه اختلافی به وجود بیاید کشور سوئیس و دادگاه آن حاکم خواهد بود.

سؤال اینجا است که طبق قانون اساسی و عهدنامه ۱۹۶۹ وین دولت ها فقط می توانند با دولت ها قرارداد ببندند آنهم با مصوبه هیات وزیران. پس چرا شما با شرکت خصوصی چینی قرارداد می بندید، این اقدام شما چه توجیهی دارد؟ آیا هتل سازی، مسکن سازی و ساخت مراکز تجاری، کار وزارت کشور است که در این قرارداد آمده یا خیر؟ همچنین چرا شما پذیرفتید میان وزارت کشور و شرکت خصوصی چین، قانون کشور سوئیس و دادگاه زوریخ حاکم باشد؟ آیا این نقض آشکار حاکمیت ملی ما نیست؟

با اینهمه، پور محمدی توانست رای اعتماد خود را از مجلس دریافت کند و وزیر دادگستری نظام جمهوری اسلامی ایران به ریاست جمهوری حسن روحانی برگردد!

* رحمانی فضلی «وزیر»: مورد نظر علی لاریجانی:

اعلام نام وی با انتقاد خاتمی و سید حسن خمینی و هاشمی روبرو شده بود. رحمانی فضلی یار باوقای علی لاریجانی است. سالهاست که این دو در کنار هم در «افکار عمومی سازی» یا فریفتاری جمعی، شریک بکدیگرند. چه در دوره تهیه فیلم عاشورا بر ضد سید محمد خاتمی در شهرک غرب که توسط صدا و سیما تهیه و تکثیر و پخش شد و چه به هنگام نمایش برنامه های چون هویت و چراغ و نمایش خودزنی زندانیان و اعتراض آنها و چه هنگامی که فیلم ضد اخلاقی کنفرانس برلین و نمایش رقص زنان معترض و بدن لخت مردی را نشان دادند، او معاون علی لاریجانی در صدا و سیما بود. بعد از آن نیز در شورای عالی امنیت ملی نقش معاونت وی را بر عهده داشت و در مجلس نیز نقش دنباله رویی از او را بر عهده گرفته بود.

رحمانی فضلی، (متولد ۱۳۳۸ در شیروان) کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکترای جغرافیا و رئیس دیوان محاسبات کشور و نماینده دوره چهارم مجلس از شیروان و قائم مقام شورای عالی امنیت ملی در کنار علی لاریجانی و معاون اجتماعی، فرهنگی رسانه های دز دوره دکتر علی لاریجانی در صدا و سیما و ریاست دوره های اجلاس سازمان همکاریهای اقتصادی منطقه ای (اگو) و رئیس حوزه خبر «اتحادیه رادیو و تلویزیون های آسیا و اقیانوسیه» (ABU) همراه حسن خجسته باقرزاده برادر همسر سید علی خامنه ای و معاون صدا و سیما و استاد دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی تهران و معاون علی لاریجانی در شورای عالی صدا و سیما. در انتخابات ریاست جمهوری نهم در سال ۱۳۸۴، او ریاست ستاد انتخابات صدا و سیما را بر عهده داشت.

وزیر پیشنهادی حسن روحانی جهت تصدی وزارت کشور - برخی معتقدند حسن روحانی گفته است که وی را

● تقی گنجی، کریم مسعود، شرکت شیمیایی رازی، شرکت مجتمع صنعتی کردستان - روزنامه اطلاعات ۶/۸۲/۸۲ ص ۲۰

● تقی گنجی، محمد رضا شرکت شیمیایی رازی، شرکت مجتمع صنعتی کردستان، روزنامه اطلاعات ۶/۸۲/۸۲ ص ۲۰

● تقی گنجی، مهدی سعید شرکت شیمیایی رازی، شرکت مجتمع صنعتی کردستان، روزنامه اطلاعات ۶/۸۲/۸۲ ص ۲۰

● تقی گنجی، امیر رضا شرکت شیمیایی رازی - روزنامه اطلاعات ۶/۸۲/۸۲ ص ۲۰

● تقی گنجی، امیر محمد شرکت شیمیایی رازی، روزنامه اطلاعات ۶/۸۲/۸۲ ص ۲۰

● پالیزدار ادامه می دهد: «یک آقای آمد گفت یک پسر معلول جسمی دارم و می خواهم یک موسسه نوانبخشی بسازم که پسر هم در دل همان موسسه زیر نظر خودم باشد. موسسه را ثبت کردند. بعد آمد گفت که آقا من سایپورت مالی می خواهم، نظام به ما برای این اقدام کمک کند. گفتند چه کمکی؟ ایشان گفت فلان معدن، سنگ مرمر دهید فارس را بدهید به ما! [دهیید بهترین معدن سنگ مرمر دنیا و از منابع انفال جمهوری اسلامی ایران است]. بالاخره این اقدام انجام شد و معدن به ایشان واگذار شد. بعد از چند وقت گفت این کافی نیست! فلان معدن در زنجان را هم به من واگذار کنید و تا به حال این آقا که از علماست و مردم پشت سرش هم نماز می خوانند، چهار معدن را به بهانه سایپورت یک موسسه نوانبخشی تصاحب کرده!»

در این زمان دانشجویان با اصرار فراوان از پالیزدار خواستند که وی نام این شخص را بگوید. پالیزدار سرانجام تسلیم دانشجویان شد و گفت: آیه الله امامی کاشانی، استاد اخلاق و نمی دانم چه و چه که امام جمعه موقت تهران است.

به هر حال آقای نعمت زاده نیز با رای اعتماد مجلس به دولت راه یافت.

* دکتر محمود واعظی:

یکی دیگر از وزرای است که توسط حسن روحانی جهت تصدی مقام وزارت ارتباطات و فن آوری معرفی شد و در مجلس با مخالفت هایی روبرو شد اما رای اعتماد گرفت.

واعظی متولد ۱۳۳۱ است و دکترای روابط بین الملل و هم چنین فوق لیسانس مهندسی الکترونیک دارد. او معاون پژوهش های سیاست خارجی مجمع تشخیص مصلحت نظام بود و مشاغل زیر را نیز تصدی کرده بود:

- مدیرعامل شرکت مخابرات ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵

- مشاور وزیر امور خارجه از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۶

- مشاور وزیر و رئیس ستاد روابط اقتصادی خارجی از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸

- معاون سیاسی اروپا و آمریکا وزارت امور خارجه از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶

- معاون اقتصادی وزارت امور خارجه از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸

- معاون پژوهش های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک از سال ۱۳۷۸ تا کنون.

- استاد مهمان در مقطع کارشناسی ارشد روابط بین الملل در دانشگاه علامه طباطبایی.

* سید محمود علوی:

«حجت الاسلام» - وزیر معرفی شده توسط سید علی خامنه ای - برای تصدی اداره و اوآک، از وزرای است که می بایست با تأیید شخص رهبری از سوی رئیس جمهوری معرفی می شد. در این بین، سید محمود علوی که به قول خامنه ای تلمذ کرده است، شخص مورد تأیید او برای این مقام می باشد.

علوی، سید محمود، متولد ۱۳۳۳ در لامرد فارس و فرزند آیت الله حاج سید رضا علوی است. مشاغل او عبارت بوده اند از:

موسس انجمن اسلامی جوانان آبادان (۱۳۵۰)

- موسس کانون اسلامی جوانان قم (۱۳۵۲)

- رهبری یک گروه چریکی شبه نظامی در قم.

- نماینده ستاد مرکزی انقلاب اسلامی در جنوب فارس در سال ۱۳۵۸ - ۱۳۵۷

- نماینده دفتر خمینی در لامرد در سال ۱۳۵۹ - ۱۳۵۸

- نماینده دوره های اول و دوم و چهارم و پنجم مجلس.

- رئیس گروه دوستی پارلمانی ایران و کویت (دوره های چهارم و پنجم).

- رئیس گروه دوستی پارلمانی ایران و مراکش (دوره پنجم)

- معاونت نظارت و بازرسی و معاونت روابط عمومی و تبلیغات سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در سال های ۶۸ تا ۷۰

- از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۸ با حکم خامنه ای رئیس سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش بود.

- «نماینده» مردم استان تهران در مجلس خبرگان رهبری.

علوی در دفاع از خود گفته است: «سیاس از مرجع، رهبر و استاد، مقام معظم رهبری که خدمتگزاری این سرباز کوچک شان را در سنگر خط و حساس وزارت اطلاعات با پیشنهاد ریاست محترم جمهوری رأی اجازه فرمودند. ناگفته نماند که شرط تحصیلات در حد اجتهاد برای وزیر به معنای اعمال نظرات فقهی وزیر در وزارت نیست، بلکه مشی، مرام و نظرات مقام معظم رهبری حجت شرعی مطیع در فرایند فعالیت وزارت است و شرط تحصیلات در حد اجتهاد وزیر شرط لازم برای فهم دیدگاه فقهی معظم له و اعمال آن در وزارتخانه می باشد که توفیق شرکت حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه مقام معظم رهبری اینجانب را با نظرات فقهی ایشان آشنا کرده است.»

● چند نکته جالب در برنامه های علوی:

تلاش در جهت افزایش اعتماد جامعه نسبت به وزارت و دفاع از حقوق عامه و حریم خصوصی افراد، نهادینه کردن امنیت پایدار بدون امنیت کردن فضای کشور و توسعه هدفمند همکاری اطلاعاتی و به کارگیری هوشمندانه دیپلماسی پنهان در سیاست خارجی با هماهنگی دستگاه دیپلماسی رسی کشور و به کارگیری ظرفیت های مردمی در جهت تقویت امنیت ملی از جمله رویکردهای ملی حقیق در مدیریت وزارت اطلاعات خواهد بود.

در حملات بالا، علوی مطلبی را گفته است که برای درک آن، باید زحمت به خود داد تا معنای سخن او را دریافت. او، در رابطه با دیپلماسی پنهان، می گوید: توسعه هدفمند همکاری اطلاعاتی و به کارگیری هوشمندانه دیپلماسی پنهان در سیاست خارجی با هماهنگی دستگاه دیپلماسی رسی کشور ... آیا منظور علوی همان دیپلماسی ای است که در دهه ۶۰ و ۷۰ توسط اوآوک در کشور های دیگر وجود



خلع سلاح شیمیایی؟

می توان میلیون ها شغل در کشور ایجاد کرد.
*** توکلی: حساب ذخیره ارزی جارو شد:**

در ۲۵ شهریور ۹۲، احمد توکلی، «نماینده» مجلس مافیها گفته است: در حساب ذخیره ارزی از ۱۷۶ میلیارد دلار ۱۶۱ میلیارد دلار را بخش دولتی استفاده کرده است.

به گزارش نامه، احمد توکلی عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در برنامه یازدهم هفته با بیان این که واردات کالای خارجی به تولید داخلی ضربه وارد می کند، گفته است: بنده در سال ۸۴ درباره وقوع بیماری هلندی هشدار داده بودم و که مورد توجه قرار نگرفت و دوستان فکر می کردند با پول تمام مشکلات حل می شود و بر همین اساس از مرداد ۸۵ قیمت زمین و مسکن افزایش یافت.

در زمان جنگ سالانه به ازای هر ابرای ۶۰۸ دلار ارتقا به نفت بود که این میزان در زمان سازندگی به ۳۸۴ دلار، در دولت اصلاحات به ۳۶۴ دلار و در دولت نهم و دهم به ۸۹۰ دلار رسید و با توجه به این میزان ارتقا شرایط زندگی بسیار سخت شده است.

در حساب ذخیره ارزی از ۱۷۶ میلیارد دلار ۱۶۱ میلیارد دلار را بخش دولتی استفاده کرده است. تمام ارز های نفتی را در بخش دولتی استفاده کرده ایم و تنها ۱۰ درصد صرف بخش خصوصی و تعاونی شد و این به بیماری هلندی دامن می زند.

عده ای می گویند حساب ذخیره ارزی دیگر وجود ندارد. دلیل این موضوع این است که این حساب جارو شده است و ۱۹۷۴ تعهدی دارد که منابع ندارد و این شرایط رکود نوری را درست می کند.

مسکن مهر عالی بود اما خیلی بد اجرا شد و با فشار بانک مرکزی ۳۵ هزار میلیارد تومان اعتبار به بانک مسکن دادند و سبب افزایش پایه پولی شد. از سال ۸۱ تا ۹۱ قرار بود ۵ هزار و ۵۶۰ طرح عمرانی تمام شود که ۱۴۰۰ طرح تمام شده است در حالی که ۷۰ درصد بودجه تخصیص داده شده است. پس، اشکال در برآوردها و تصمیمات سیاسی بوده است.

توکلی همچنین درباره قانون هدفمندی یارانه ها تصریح کرد: قانون هدفمندی یارانه ها بسیار مثبت بود اما اشکال دولت این بود که می خواست سرعت داشته باشد و این موضوع نتیجه خوبی به همراه نداشت و رکود و تورم را به همراه داشت. دولت بخش زیادی از پرداخت های نقدی را از شرکت های آب و فاضلاب و گاز تامین کرد و بانک مرکزی ۵ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان اسکانس برای پرداخت یارانه نقدی تولید کرد و این در شرایطی بود که تولید پولی پرداخت شد. و این امر بازار ارز رکود نوری را تشدید کرد. از بهمن ۹۰ تا شهریور ۹۱ به واسطه نوسانات ارزی تقریباً ۲۷ هزار میلیارد تومان رانت ایجاد شده است. دولت در پایان سال گذشته ۲۷۸ هزار میلیارد تومان به بانک ها و موسسات بدهکار است.

*** ایران فقط ۶۰ سال دیگر آب دارد:**

در ۲۳ شهریور، روزنامه ابتکار، قول دکتر پرویز کردوانی را این سان آورده است: ایران فقط ۶۰ سال آب دارد. دو مشکلی که در حال حاضر نظر دنیا را به خود معطوف کرده و بسیاری در صدد رفع آن هستند مشکل فقر و

یارانه از شهر عقب است. در سیاست انبساطی پولی شهری ها، از سرانه، سهم بیشتری دارند. چرا که در مناطق شهری امکانات بیشتری برای مصرف وجود دارد و در این شرایط هر که بیشتر مصرف کند برنده می شود.

علاوه بر این در این مدت، درآمد نفتی طناب دار تولید کننده داخلی به خصوص مواد غذایی شده است. سیاست دولت مبنی بر تثبیت قیمت مواد غذایی و سرکوب تولید داخلی موجب بیشترین ضربه به روستاییان تولید کننده مواد غذایی و بیشترین سود به شهری های مصرف کننده مواد غذایی وارداتی شده است. بنابراین، روستائیان از دو ناحیه دچار خسران می شوند: هم از ناحیه میزان استفاده از یارانه و هم از ناحیه قیمت پایین مواد غذایی تولیدی. مسئله گندم و برنج نمونه آعلای این موضوع است. دولت قبل برای تثبیت قیمت این دو محصول هم قیمت خرید از کشاورز را پایین نگه داشت و هم با واردات گندم و برنج ارزان تولید را سرکوب کرد و از این طریق به شهری ها یارانه بیشتری داد.

*** پوریزدان پرست: تولید قربانی دلارهای نفتی و واردات بی رویه شد:**

در ۲۰ شهریور ۹۲، محمد هاشم پوریزدان پرست، اقتصاد دان و استاد دانشگاه، به ایسنا گفته است: با توجه به عوامل موثر بر بی رونقی تولید کشور، مشاهده می کنیم که مهمترین مانع وجود دلارهای نفتی است. توضیح این که هر گاه که درآمدهای نفتی افزایش یافت تولید نیز گسترش پیدا کرد. اما با کاهش قیمت نفت تولیدات کشور به خصوص در بخش صنعت کاهش یافت. چرا که هیچ گاه قدم محکمی برای کاهش ارتباط تولید و خدمات با دلارهای نفتی برداشته نشد. هنگامی که تولیدکنندگان به دریافت دلار ارزان و فروش کالا به چند برابر قیمت عادت کرده باشند دیگر دلیلی برای ارتقای مدیریت، تقویت تکنولوژی و صرفه جویی در سوخت در راستای توسعه تولیدات صنعتی وجود ندارد. سود تولیدکنندگان همواره از طریق دلارهای ارزانی که به وفور در اختیارشان قرار گرفته به دست آمده است در حالی که سود صنعت باید در قالب کار و تلاش، صرفه جویی در هزینه و رقابتی کردن کالاها به دست آید.

همچنین حجم عظیم واردات و قاچاق کالا به کشور از دیگر دلایل عمده تضعیف تولید است. زیرا هنگامی که در مقابل دستمزد ۳۰ هزار تومانی در صنعت کشور کالای چینی با دستمزد ۳۰۰۰ تومانی کارگر قرار دارد مشخص است که صنعت داخلی قربانی قاچاق و واردات کالا خواهد شد.

واردات کالاهای غیر ضرور ضمن خروج حجم بالایی از ارز، اشتغال کشور را تحت تاثیر قرار می دهد. این در حالی است که هر یک میلیارد دلار کالای وارداتی و یا قاچاق به کشور حدود صد هزار نفر را بیکار می کند. از سوی دیگر کشور در حال توسعه ای نظیر ایران نیازمند گسترش طرح های عمرانی و تولیدی است و نباید بازارهای آن با کالاهای بنجل و غیر ضروری وارداتی پر شود.

به گفته وی، کشوری که حدود ۵۰ میلیارد دلار واردات رسمی و نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار واردات قاچاق دارد طبیعی است که جایی برای رونق تولید نداشته باشد. در حالی که با این هزینه

اسلامی رای اعتماد گرفت.
*** در تازه سوایق کاری و سیاسی او، اولین انتقاد را مسعود پزشکیان، «نماینده» مجلس و «وزیر» بهداشت، در حکومت خانگی کرده است. او گفته (در گفتگو با نسیم) است: «اگر چنین افرادی در عرصه باشند، ما موضع خود را اعلام می کنیم و این افراد را قبول نخواهیم کرد. چرا که افرادی باید در سیستم سلامت کشور حضور داشته باشند که به سلامت عموم مردم اعتقاد داشته باشند و به آن پایبند باشند. علت حل نشدن مشکلات بهداشت و درمان در کشور حضور افرادی بر سر کار بوده است که در بیرون کار می کرده اند و مقررات و آیین نامه ها را به گونه ای نوشته اند که منافع خودشان حفظ شود.»**

حسن قاضی زاده هاشمی با وجود این که چهره برجسته ای به لحاظ علمی در چشم پزشکی کشور به حساب می آید اما فعالیت های خصوصی گسترده ای در عرصه بهداشت و درمان داشته است. او سهامدار بیمارستان خصوصی چشم پزشکی نور است. او از چهره های نزدیک به «جبهه پایداری» محسوب می شود و حسن روحانی، با کزیدن او، دست دوسمی به سوی این گروه تندرو اصولگرا دراز کرده است.

ادامه دارد.
انقلاب اسلامی: و رژیم در قید تاریخیت روابط شخصی قدرت و با هیأت وزیرانی با این ترکیب، با کسر بودجه ای به میزان ۸۰ هزار میلیارد تومان و اقتصادی گرفتار تورم و رکود رویره است:

داده های اقتصادی چون آینه، وضعیت اقتصاد کشور را نشان می دهند:

لیلاز در باره تشدید تورم روستایی می گوید: «احمدی نژاد اشتباه هویدا را تکرار کرد»:

در ۲۴ شهریور، لیلاز به فرارو گفته است: تورم روستایی در ۱۲ ماه منتهی به مرداد به رقم ۱/۴ درصد رسید. این رقم ۶ درصد بیش از مشابه شهری آن است. از آنجایی که همیشه این نسبت برعکس بود، این موضوع باعث تعجب کارشناسان شده است.

سیاست های اقتصادی احمدی نژاد طی هشت سال درست برعکس آنچه می خواست نتیجه داد. حالا با انتشار این آمار می توان دلیل رای بالای روستائیان به حسن روحانی را درک کرد. گروهی که سیاست تدبیر را به وعده افزایش یارانه ترجیح دادند.

سعید لیلاز اما از وقوع این امر تعجب نمی کند. او می گوید سیاست گشایش درهای واردات و تزریق همه درآمد نفتی به اقتصاد یک بار دیگر در سال های ۵۲ تا ۵۶ در دوران هویدا تجربه شده بود و نتیجه آن افزایش شکاف میان روستا و شهر بود. به طور کلی اعطای یارانه غیر هدفمند و یکسان منجر به تشدید نابرابری میان شهر و روستا می شود چرا که روستا همیشه در استفاده از منابع

داشت و ترور بست ها بیشتر به صورت پنهان و با گذرنامه سیاسی و تحت عنوان اعضای وزارت امور خارجه یا ریزن فرهنگی یا... جهت عملیات به خارج از کشور می رفتند؟

باز علوی می گویند: مرزبندی وزارت در هر زمینه ای از جمله فتنه، انحراف و دوست و دشمن تابعی از مهندسی رهبر معظم انقلاب به عنوان نقشه راه و حجت شرعی می آید. بنا به گفته بالا، علوی افشا می کند که نقشه راه را همواره مهندس علی خامنه ای طراحی می کند و در محدوده مرزبندی هایی که او ترسیم می کند، کلیه نیروها باید وارد عمل شوند! علوی با رای اعتماد مجلس وزیر اطلاعات گردید.

*** سردار سرتیپ دکتر حسین دهقان:**

یکی از وزرای سهمیه ولی فقیه مطلقه است. خامنه ای همواره، وزیران این وزارتخانه و چند وزارتخانه دیگر را به حکومت تحمیل می کند. حسین دهقان تنها وزیری بود که در همان جلسه اول مجلس، مورد تأیید قرار گرفت و هیچ نماینده مخالفی نداشت با کسی جرات مخالفت کردن با او را در خود ندید. میزان رای او مشخص می کند دل و جرات نمایندگان چقدر است بعد از او، به رحمانی فضلی نیز بدون مخالف، رای دادند.

دهقان سردار سپاه و دارای دکترای مدیریت از دانشگاه تهران است. او معاونت رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در حکومت احمدی نژاد بوده است. و نیز، در حکومت خاتمی، جانشین وزیر دفاع بوده است. و در دوران جنگ ۸ ساله، فرماندهی رده های مختلف سپاه پاسداران را داشته است. و او ماموریت هایی مانند فرماندهی سپاه در سوریه و لبنان از سال ۶۱ تا ۶۳، فرماندهی نیروی هوایی سپاه پاسداران از سال ۶۹ تا ۷۱ و جانشینی رئیس ستاد سپاه را بر عهده داشته است. و او همکار محسن رضانی در مجمع تشخیص مصلحت بوده است. وی بدون مخالف از مجلس رای اعتماد گرفت.

*** حسن قاضی زاده هاشمی:**

وزیر بهداشت که به نظر می رسد توسط حسن روحانی برای وزارت به مجلس معرفی شده باشد به همین دلیل برخی مخالفان با حضور وی در مجلس صورت گرفت که بیشتر در باره عدم آشنایی او با این وزارت خانه بود.

وگرنه، به لحاظ تخصص از بهترین متخصصان چشم در جهان می باشد. او این تخصص ها و مشاغل را داشته است: ریاست بیمارستان تخصصی چشم پزشکی نور.

– جراح و متخصص چشم پزشکی،
 – فوق تخصص قرنیه و سکمان قدامی.
 – استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران.
 – دبیر کلی انجمن چشم پزشکی ایران،
 – عضو فرهنگستان علوم پزشکی،
 – دبیر شورای سیاستگذاری رشته چشم پزشکی.
 – دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی.
 – مشاور وزیر بهداشت در زمان وزارت محمد فرهادی.
 – رئیس بخش قرنیه بیمارستان فارابی.
 – کارشناس رشته چشم پزشکی در هیئت انتظامی نظام پزشکی.
 – مدیر گروه چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.
 – مؤسس و عضو هیئت مدیره انجمن پزشکی لیزری ایران.
 – عضو هیئت امنای ارزی وزارت بهداشت.
 – حسن هاشمی از مجلس شورای

نفت است، اما این دو معضل با برنامه ریزی دارای چاره است، در حقیقت می توان با برنامه ریزی فقر را زدود و برای نفت هم جایگزین مشخص کرد، اما آب در حال حاضر یکی از مشکلات بزرگ دنیاست و هیچ جایگزینی هم برای آن نمی توان تعیین کرد. مهاجرت های زیست محیطی و تروریسم آبی جزو دلایلی است که برخی از شهرهای کشور را با بی آبی روبرو کرده است. مقدار آب در هر کشور به میزان بارش آن بستگی دارد که بارش آن آب های سطحی – سطحی را کند و زیر زمینی را تشکیل می دهد و بارندگی نیز در هر منطقه و کشور منوط به قرار گرفتن آن در عرض جغرافیایی و ارتفاعات آن است که متأسفانه کشور ما از لحاظ عرض جغرافیایی و ارتفاعات در موقعیت خوبی نیست و به همین دلیل بارش زیادی در کشور نیست. یکی از راهکارهای جلوگیری از کم آبی استفاده از آب های غیر متعارف است. یکی از راه های استفاده از آب های غیر متعارف، استفاده از آب های فاضلابی و پاکسازی آن و استفاده مجدد از آن است، اما راه دوم جمع آوری آب باران است که کشور استرالیا در این زمینه پیش قدم بوده است و در شهرهای کوچک در پشت بامها مخازنی را برای جمع آوری آب باران تعبیه می کنند تا پس از بر شدن بتوانند از آب استفاده مجدد کنند. گردوانی استفاده از آب شور و رطوبت هوا و استفاده از آب مجازی را نیز به عنوان ۳ راهکار دیگر برای استفاده از آب های غیر متعارف نام برد. افرات در استفاده از آب در سال های اخیر بسیار زیاد شده است، ابتدا برای مصارف مختلف از قنات ها استفاده می کردند و بعد از جاه های عمیق و نیمه عمیق از سال ۴۰ تا ۵۵ اما در ابتدای انقلاب جاه های غیر مجاز بسیاری حفر شد و در حال حاضر بسیاری از جاه های شهری در شهرهای مختلف زاید است. همین استفاده نادرست از جاه ها و تبدیل آنها از نیمه عمیق به عمیق سبب شده است که بسیاری از دشت ها دیگر غیر قابل استفاده شوند. وقتی سطح آب ها پایین برود و قنات ها خشک شود آنها نیز به نفع شور می شوند و آرتزین ها به جاه های معمولی تبدیل می شود و به تدریج بیابان ها بشوروی و بسیاری از مراتع به بیابان تبدیل می شود. منبع حیات کویر آب های زیرزمینی است و آب های سطحی منبع حیات آن نیست، وقتی آنقدر از آب جاه ها در شهرها استفاده می کنند آب به کویر نمی رسد و نتیجه کویر از بین می رود. امروز دیگر کویرها مایع بدبختی نیستند: از املاح، گیاهان و جاذبه های توریستی آن می توان استفاده های زیادی کرد، بنابراین مدیریت کلان کشوری موظف است مردم را آگاه سازد و برای این آگاه سازی راهکار را نیز به مردم ارائه دهد. مردم باید با خطر کم آبی آشنا شوند و آتر لمس کنند، مردم باید بدانند این آبی که در اختیار دارند همیشگی نیست و نحوه صحیح استفاده آن را یاد بگیرند. در سال جاری از ۱۶ سد جدید بهره برداری شود. تا این تعداد سد، حدود ۱۷۸ سد در کشور داریم و همین سدها نیز تا ۳۵ تا ۴۰ سال دیگر بی آب خواهند شد. سدها عمر مفیدی دارند رسوب سدها را نمی توان به راحتی گرفت و برای عدم بروز این مشکل باید قبل از احداث سدها باید سدهای بالا دستی ایجاد کرد.

*** مرکز آمار تأیید کرد: اعلام رسمی رشد اقتصادی منفی ۵/۴:**

در ۲۴ شهریور ۱۳۹۲، به گزارش ایسنا، با اینکه باید تا پایان برنامه پنجم توسعه کشور به رشد اقتصادی هشت درصدی دست یابد اما در کمتر از سه

در ۲۳ شهریور، روزنامه ابتکار، قول دکتر پرویز کردوانی را این سان آورده است: ایران فقط ۶۰ سال آب دارد. دو مشکلی که در حال حاضر نظر دنیا را به خود معطوف کرده و بسیاری در صدد رفع آن هستند مشکل فقر و

در ۲۴ شهریور، لیلاز به فرارو گفته است: تورم روستایی در ۱۲ ماه منتهی به مرداد به رقم ۱/۴ درصد رسید. این رقم ۶ درصد بیش از مشابه شهری آن است. از آنجایی که همیشه این نسبت برعکس بود، این موضوع باعث تعجب کارشناسان شده است.

سیاست های اقتصادی احمدی نژاد طی هشت سال درست برعکس آنچه می خواست نتیجه داد. حالا با انتشار این آمار می توان دلیل رای بالای روستائیان به حسن روحانی را درک کرد. گروهی که سیاست تدبیر را به وعده افزایش یارانه ترجیح دادند.

سعید لیلاز اما از وقوع این امر تعجب نمی کند. او می گوید سیاست گشایش درهای واردات و تزریق همه درآمد نفتی به اقتصاد یک بار دیگر در سال های ۵۲ تا ۵۶ در دوران هویدا تجربه شده بود و نتیجه آن افزایش شکاف میان روستا و شهر بود. به طور کلی اعطای یارانه غیر هدفمند و یکسان منجر به تشدید نابرابری میان شهر و روستا می شود چرا که روستا همیشه در استفاده از منابع



سال به اتمام این برنامه، این شاخص کلان اقتصادی با کاهش بیش از هشت درصدی در طول یک سال با منفی ۵/۴ درصد برای سال ۹۱ ثبت شد.

در حالی که حدود یک ماه پیش معاون برنامه‌ریزی برای اولین بار نرخ رشد اقتصادی کشور در سال ۹۱ را منفی ۵/۴ درصد اعلام کرد و پس از وی وزیر امور اقتصاد و دارایی و سایر مسوولان نیز آن را در اظهارات خود تأیید کردند این بار مرکز آمار که در اعلام این شاخص از مسوولان عقب مانده بود بر این آمار صحه گذاشت.

بر این اساس، رشد اقتصادی کشور با در نظر گرفتن محصول ناخالص داخلی منفی ۵/۴ و از نظر محصول ناخالص داخلی بدون نفت منفی ۲/۱ درصد رسیده است.

این در حالی است که مرکز آمار ایران پیش از این نرخ رشد اقتصادی کشور در سال ۹۰ را مثبت ۳/۴ درصد عنوان کرده بود.

* پاسخ «وزیر» کشور به پرسش چطور می‌شود با ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی، صفر درصد رشد کنیم؟ می‌گویید چرا؟

۱۷ شهریور ۹۲، به گزارش ایسنا، عبدالرضا رحمانی فضلی، «وزیر» کشور، در نشست مشترک هیات ریسه اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران، در پاسخ به پرسش «چطور می‌شود با توجه به ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد از محل درآمد عمومی حاصل از نفت، خروجی ما صفر درصد رشد است؟»، گفته است: هم اکنون اعتماد و صداقت در بین ما در کمترین حد است؛ نگوئیم نه. تعداد چک‌های برگشتی و همچنین مباحثی چون طول مسیر صدور یک مجوز برای یک فعالیت این موارد را نشان می‌دهد. بنابراین مبنای کار ما دچار اشکال شده است. در همین راستا خلاف‌ها، طلاق‌ها و اعتیاد نیز مدنظر است در حالیکه باید به دنبال پاسخ این پرسش بود که در یک جامعه اسلامی و کشوری با چنین سابقه کهن چرا چنین خروجی‌های ضعیفی وجود دارد؟

رحمانی فضلی در ادامه با تأکید بر ضرورت مورد توجه قرار دادن رابطه بین اخلاق و اقتصاد و همچنین قانون با اقتصاد، گفت: اگر چنین نگاهی با بعد دینی حاکم باشد نور علی نور می‌شود و خداوند متعال هم برای ما برکت قرار می‌دهد. ما مهم باید به هم اعتماد داشته باشیم و صداقت مبنای کار ما باشد. در این صورت کارها به خوبی پیش می‌رود و در هر جایی نیازی به وجود ناظر نیست.

وی در ادامه سخنان خود اظهار کرد: از آنجا که ما در یک جامعه اسلامی به عنوان حکومت اسلامی زندگی می‌کنیم، هدف‌گذاری‌های ما هم باید دینی باشد. در دین مسأله قدرت ستوده شده و عنایت به قدرت و مجهز شدن در مقابل دشمنان توصیه قرآنی برای ماست. ما ناگزیریم که قدرتمند شویم و در این راستا یکی از مسیرهای قدرتمند شدن در دنیا بحث اقتصاد است پس می‌توان گفت اقتصادپوی پایه اصلی قدرت ملی را در نظام مقدس جمهوری اسلامی تعیین می‌کنند و با فعالیت‌هایی که در این راستا انجام می‌دهیم می‌توانیم منافع ملی را به منافع ملی و منافع ملی را به قدرت ملی تبدیل کنیم.

وزیر کشور خطاب به حاضران گفت: مسیر طی طریق منافع به قدرت ملی را مسیر استراتژیک و مدیران این راستا را مدیران استراتژیک می‌گویند و شما حاضران در این جلسه می‌توانید به عنوان مدیران استراتژیک نقش ایفا کنید.

رحمانی فضلی در ادامه اظهار کرد: بیش از ۳۴ سال است که آمریکا علیه ما هر اقدامی انجام داده اما به دلیل

خلع سلاح شیمیایی؟

تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمانی که فروش نفت را در برمی‌گیرد درآمدهای ارزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یک روش آن است که منتظر بمانیم تا تحریم‌ها اعمال شوند و سپس در راستای برخورد با آن‌ها اقدام کنیم اما روش دیگر این است که از پیش از اعمال تحریم‌ها آماده باشیم تا کشورهای تحریم‌کننده به دنبال راهکاری برای چگونگی تحریم کشور ما باشند.

طی این سال‌ها هر دو نوع برخورد با تحریم صورت گرفته است. سال ۹۰ ابتدا بانک مرکزی و سپس بانک‌های دیگر تحریم شدند و پس از آن تحریم‌ها در تیر ۹۱، نفت و صادرات نفت را مورد هدف قرار دادند. از شش فوریه ۲۰۱۳ محدود شدن فعالیت‌ها مطرح و شرایط سخت‌تر شد. در بانک مرکزی جریان حیات را مانند آب روانی که مسیر را پیدا می‌کند پیدا کردیم و بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی کشور در این مدت رفت‌وآمد داشت.

انقلاب اسلامی: معاون ارزی بانک مرکزی نیمی از حقیقت را می‌گوید که بزرگ‌ترین دروغ است. تمام حقیقت اینست که سرنوشت میلیاردها دلار که به بهانه تحریم‌ها به حساب‌های اشخاص ریخته شده‌اند نامعلوم است. در حقیقت، می‌بایغی کلان برده و خورده شده‌اند. بر آنها افزوده می‌شود بهای فروش نفت به چین و هند که ایران جز در خرید از این دو کشور نمی‌تواند از آنها استفاده کند.

و خبرهای تجاورها به حقوق انسان:

رئیس جمهوری نمی‌تواند مانع سانسور حتی سانسور «وزیران» خود شود و سر کوبها ادامه دارند:

ماه سال ۱۴ شهریور ۹۲، به گزارش ندای سبز آزادی، سید احمد موسوی فرماندار یونان در حکومت اصلاحات و از چهره‌های سرشناس اصلاح طلب استان فارس برای اجرای حکم ۴ سال حبس تعزیری به زندان عادل آباد شیراز منتقل شد. موسوی در ایام انتخابات ریاست جمهوری در ستاد مهدی کروی مشغول به فعالیت بود.

۱۸ شهریور ۹۲، به گزارش فارس، کارمندان فدراسیون کشتی در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقشان مقابل دفتر سرپرست این فدراسیون تحصن کرده و تجمع اعتراضی برپا کردند.

بر اساس گفته یکی از کارمندان فدراسیون کشتی، آنها ۵ ماه است حقوقی دریافت نکرده‌اند و ۹ ماه است که فدراسیون حق بیمه‌های آنها را پرداخت نکرده است.

۱۹ شهریور ۹۲، به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، حکم اعدام عبدالرضا قنبری معلم زندانی که پس از تجدید دادرسی به ۱۵ سال زندان در تبعیدگاه برازجان تغییر یافته بود، در دادگاه تجدید نظر (شعبه ۵۴) به ۱۰ سال زندان و بدون تبعید تغییر یافت.

عبدالرضا قنبری که از بازداشت شدگان عاشورای ۸۸ است، در یک روند ناعادلانه حقوقی و در شرایط اعتراضات زیر شکنجه به اتهام ارتباط با سازمان مجاهدین به اعدام محکوم شده بود.

۲۰ شهریور ۹۲، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، به منظور تشدید فشارهای روحی علیه آقای کاظمینی بروجردی، خانم اکرم ولی دوستی همسر وی به دادگاه ویژه روحانیت احضار و او را ساعتی تحت بازجویی، تهدید و فشارهای روحی قرار دادند.

۱۹ شهریور ۹۲، به گزارش هرانا، سحرگاه دست‌کم ۵ مرد و ۱ زن به اتهام قاچاق مواد مخدر در زندان مرکزی ارومیه اعدام شدند.

اسامی این افراد بدین شرح است: بهروز شیرپور، منوچهر داوودی، بهمن قیطرانی، قاسم اکبری، ذکریا نصراللهی، مشخصات یکی از متهمان که از بند زنان اعدام شده است تاکنون به دست گزارشگران هرانا نرسیده است.

۲۲ شهریور ۹۲، یک منبع محلی به کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفت که مسئولین حفاظت زندان مرکزی بند عباس با همکاری و اوآک اقدام به تاسیس یک بند امنیتی در زندان مرکزی بند عباس کرده و زندانیان سیاسی این زندان را از بندهای مختلف به این بند منتقل کرده‌اند.

۲۲ شهریور ۹۲، به گزارش کلمه، بیش از چهل تن از زندانیان سیاسی و عقیدتی زندان رجایی شهر کرج در نامه ای به رئیس قوه قضاییه با ارائه شرح حالی از زندانیان بیمار خواستار آزادی سریع آنان شده‌اند.

در این نامه که به امضای ۴۲ زندانی سیاسی زندان رجایی شهر رسیده و رونوشت آن به وزیران اطلاعات، دادگستری و کمیسیونهای مجلس ارسال شده، با ذکر نام و بیماری زندانیان بالای ۶۰ سال آمده است: آزادی این افراد در شرایط کنونی، افزون بر اتمام دردهای ناشی از قانون‌گریزی در گذشته، اقدامی انسان دوستانه تلقی شده و می‌تواند در روند کاهش بحران‌های جاری و حرکت در راستای سیاست تدبیر و امید نیز مفید واقع شود.

۲۳ شهریور ۹۲، به گزارش تسنیم، برخی از دانشجویانی که طی سال‌های گذشته تعلیق و یا از دانشگاه اخراج شده بودند با همراهی جمعی از اعضای سابق انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، با تجمع مقابل دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و دفتر رئیس جدید، سر دادن شعارهایی خواستار روشن شدن وضعیت خود شدند.

۲۳ شهریور ۹۲، ۲۵۰ تن از روزنامه نگاران و فعالین سیاسی و مدنی طی نامه‌ای به وزیر و اوآک، خواستار رسیدگی وی به وضعیت نگران‌کننده آرش صادقی شدند.

امضاء کنندگان این نامه، با اشاره به سخنان محسنی‌اژه‌ای در خصوص وضعیت آرش صادقی طی سال ۹۲-۹۱ و اظهار بی‌اطلاعی نامبرده از وضعیت این زندانی سیاسی؛ از سید محمود علوی به عنوان وزیر و اوآک در حکومت روحانی خواستند تا با اطلاع رسانی پیرامون محل نگهداری و وضعیت سلامت آرش صادقی، به گمانه زنی‌های افکار عمومی و نگرانی‌ها درباره وی، پایان دهد.

۲۳ شهریور ۹۲، رئیس پلیس تهران گفته است: وزیران نیز همچون

افراد عادی فیلترینگ می‌شوند. ۲۵ شهریور ۹۲، به گزارش آینده، دستیار دبیر کمی‌internet فیلترینگ با خط و نشان کشیدن برای رئیس جمهور، در خصوص نهادهایی که فیلترینگ را اعمال می‌کنند، گفت: نه تنها وزیر ارتباطات بلکه شخص رئیس جمهور نیز بر اساس قانون، راسا اختیار اخذ تصمیم در ارتباط با مصادیق فیلترینگ را ندارد.

روح الله مؤمن نسب در گفتگو با باشگاه خبرنگاران، در خصوص اینکه در حال حاضر، فیلترینگ از طریق چه نهادهایی اعمال می‌شود، اظهار داشت: بر اساس نص صریح ماده ۲۱، ۲۲ و ۲۳ قانون جرایم رایانه‌ای، تعیین ضوابط فنی و پالایش و مسدودسازی محتوای مجرمانه در فضای مجازی از وظایف کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه است.

محل دبیرخانه کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه در قوه قضاییه است که ریاست آن را دادستان کل کشور بر عهده دارد و همچنین دبیر این کارگروه قاضی کارگشته و متخصص دادگستری است.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تنها یک عضو در این کارگروه دارد؛ در نتیجه علی‌رغم جنگ تبلیغاتی اخیر بر سر فیلتر و رفع فیلتر برخی تارنماها، باید بگوییم که نه تنها وزیر ارتباطات بلکه شخص رئیس جمهور نیز بر اساس قانون، راسا اختیار اخذ تصمیم در ارتباط با مصادیق فیلترینگ را نداشته و اینگونه انتظارات از آن‌ها غلط است و مبنای قانونی ندارد.

در کمیته مورد اشاره، نمایندگان وزارتخانه‌های و اوآک، ارشاد، ارتباطات، آموزش و پرورش، علوم و دادگستری، ۶ عضو این کمیته هستند که نیمی از اعضا را تشکیل می‌دهند.

۲۵ شهریور ۹۲، دو بهایی در تاریخ ۲۴ تیر ۹۱ توسط مأمورین و اوآک دستگیر شدند. این دو به اسامی اسلامی و وفایی در سال ۹۱ توسط خشتی بازپرس شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب به اتهام تبلیغ و عضویت در گروه غیرقانونی برای برهم زدن امنیت ملی تفهیم اتهام شدند.

پس از ۷ ماه بلاتکلیفی و به تعویق افتادن جلسات دادگاه، در تاریخ ۱ بهمن ۹۱ اولین جلسه دادگاه آنان برگزار شد. و جلسه دوم دادگاه توسط قاضی رشیدی پور برای ۱ اسفند ماه ۹۱ تعیین شد. سرانجام «دادگاه» تشکیل شد و این دو، هر یک، به ۳ سال زندان محکوم شدند.

۲۵ شهریور ۹۲، دبیرخانه کارگر استان بوشهر از صدور حکم اخراج ۸۰۰ نفر از کارگران قرار دادی و رسمی در واحد کشتی سازی شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) تا پایان شهریور جاری خبر داد.

موسس میر جهانمردی در تشریح جزئیات این خبر به اینا گفت: با توجه به اینکه در شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) بیش از ۱۵۰۰ کارگر قراردادی و رسمی با کارفرمایی چندین شرکت پیمانکاری همانند فرا ساحل، آریا صنعت، صادق صنعت و... در ساخت پروژه‌های دریایی فعالیت دارند، اخیراً به دلیل رکود کار که موجب جابجایی شرکت‌های پیمانکاری و ورود پیمانکاران جدید در بخش کشتی سازی این شرکت عظیم دریایی رخ داده است، ۸۰۰ نفر از این کارگران که در سه ماه گذشته نیز حقوقی دریافت نکرده‌اند با دریافت حکم اخراج از سوی کارفرما، در انتظار اخراج خود تا پایان شهریور ماه هستند.

در مجموعه «صدرا» را کارگران با تجربه و مهندسان متخصص تشکیل می‌دهند.



تقابل دکترین ولایت فقیه با مطالبات اساسی مردم ایران - ۱۲

ولایت مطلقه فقیه از نگاه او: "حکومتی است که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول خداست و یکی از احکام اولیه اسلام و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز، روزه و حج است ... و می تواند از هر امری، چه عبادی و چه غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام باشد جلوگیری کند..." (۱)

به قرآن مراجعه می کنیم، تضاد و تناقض های آشکار و بسیار روشنی را در اصل اولیه و بنیان این مرام با ولایت فقیه می یابیم، از جمله این که، به پیامبر امر می شود:

بنابر نص قرآن ادعای ولایت فقیه نه تنها، در قرآن، چه بصورت صریح یا غیره صریح وجود ندارد، بلکه ناقض آیه های زیادی از قرآن، بسا ناقض با تمامیت قرآن است. بنا بر این پیامبر و امام نمی توانند خلاف نص قرآن عمل کرده، مقامی را جعل کنند و نکرده اند. دو روایتی که با استناد به آن ولایت فقیه را بیرون آورده اند، جز این نیست که می گویند: مسلمانان می توانند در امور جاری خود، به آثباتی که دانش دین دارند، مراجعه کنند. آقای منتظری صاحب کتاب ولایت فقیه که خود از مبتکران آن بود نیز پذیرفت که با استناد به این دو روایت نمی توان ولایت فقیه را ثابت کرد و هم او بود که ولایت مطلقه فقیه را از مصادیق شرک خواند. در مقام سایر علمای دین، زمانی که آقای خمینی ولایت فقیه را بازگو کرد، در سطح مراجع وقت، هیچکس موافق او نبود، خونی، شریعتمداری، خوانساری، گلپایگانی، مرعشی، میلانی، حکیم، شاهرودی و صدر و ... همه مخالف بودند.

تناقض ولایت مطلقه فقیه با قرآن و با انتخاب مردم !!

علاوه بر آیاتی که در بالا ذکر شد، در آیات متعدد دیگر از قرآن به طور مکرر و متناوب، وجود "ولی"، "ولیتی" که به غیر از خدا نسبت داده شود، رد شده است، از جمله:

در آیه ۵۱ سوره انفعا آمده است: و به وسیله این [قرآن] کسانی را که بیم دارند که به سوی پروردگارشان محسور شوند هشدار ده که غیر او برای آنها ولی و شفیع نیست، باشد که پروا کنند.

در آیه ۸۰ سوره آل عمران آمده است: و شما را فرمان نخواهد داد که فرشتگان و پیامبران را از باب خود قرار دهید. آیا پس از آنکه سر به فرمان [خدا] نهداید باز شما را به کفر وامی دارد.

در آیه ۱۴۴ سوره نسا آمده است: ای کسانی که ایمان آورده اید به جای مؤمنان کافران را اولیای خود نگیرید آیا می خواهید علیه خود حجتی روشن برای خدا قرار دهید.

و یا بطور روشن در رابطه با روحانیون آمده است:

در آیه ۳۴ سوره توبه: ای کسانی که ایمان آورده اید بسیاری از اہبار و راہبان اموال مردم را به ناروا می خورند و (مردم را) از راه خدا باز می دارند و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند ایشان را از عذابی دردناک خبر ده.

اہبار و راہبان در دین همان روحانیون و متولیان دینی می باشند. ولایت مطلقه فقیه با دموکراسی، با آزادی و حاکمیت مردم در تناقضی آشکار و با حقوق و مطالبات شهروندی هیچگونه هماهنگی و هم خوانی ندارد، سازگار بلکه متعارض و متناقض و مانع پیشرفت و رشد جامعه می باشد.

از این رو رژی می باشد که بر پایه ولایت فقیه استوار باشد و مدعی ولایت به معنای قیمومیت بر مہجورین باشد، با آرای مردم و خواسته های مردم در تضاد قرار می گیرد، چه این که مردم خودشان فقیه را انتخاب بکنند یا بوسیله افرادی چون

دستگاه ولایت ساخته خبرگان برایشان انتخاب بکنند، معنای چنین انتخابی آن است که آن مردم عاقل و صاحب خرد و اندیشه نیستند و حق انتخاب ندارند. در اصل واقع، مردم با داشتن اندیشه ای آزاد نیازی به ولایت ولی مطلقه ندارند، زیرا خود دارای استعداد رهبری و مسئول سرنوشت امور خویش هستند.

منطق دادن اختیار به ولایت فقیه جز این نیست که مردم به خود اجازه می دهند که از خود اراده ای نداشته صاحب رأی نباشند، آنان با ولی فقیه قرار داد می بندند که خود دیگر در امور دخالت نکنند. چون معنای ولایت آن است که تمام اختیار در دست ولی

است و مردم مولی علیه و مہجورند و حق حرف و اعتراض ندارند. از این رو حکومت جمهوری اسلامی که در حاکمیت ولایت فقیه است، حکومت جمهوری نیست چون رژیم جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن کلاً در این قضیه در یک تناقض منطقی خلاصه می شود و از هر گونه اعتبار عقلایی و حقوقی خارج بوده و با هیچ معیاری نمی تواند قانونیت و مشروعیت داشته باشد. (۳)

دو تفکر در تقابلی سخت با یکدیگر!

مسئله «مشروعیت» حکومت، موضوعی بسیار مهم و اساسی در فلسفه سیاست است، مشروعیت حکومت پاسخ این پرسش است که چه کسی حق دارد بر مسند حکومت قرار گیرد و این حق را چگونه به دست می آورد. سوء استفاده از این حق، نقطه مقابل مشروعیت، غضب حکومت است. حکومتی که مشروعیت نداشته باشد غاصب خوانده می شود.

در مورد مشروعیت و معیارهای آن، آرا و نظرات متعددی وجود دارد. بعضی معتقدند که حکومت مشروع، حکومتی است که به خداوند منتسب شده باشد و قدرت خود را از قدرت الهی دریافت کرده باشد. این نظریه، به نظریه «مشروعیت الهی» معروف است. بر همین اساس، در نخستین اصل فصل پنجم (اصل ۵۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: "حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند."

در تناقضی آشکار در اصل دیگری، این حق، حق حاکمیت به ولایت فقیه داده می شود، یعنی در اصل ۱۰۷ همین قانون اساسی آمده است: در زمان غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدبر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد. (۴)

آقای سید محمد بهشتی "آیت الله بهشتی" گفته بود، ضرورت مطابقت قوانین مصوب با اصول و احکام مذهب رسمی کشور به معنای نقض حق حاکمیت مردم و محدود کردن اراده آنان نیست، زیرا آنان مکتب را به طور آزاد انتخاب کرده و خودشان خواسته اند که در سایه مکتب زندگی کنند. (۵)

در این اینجا نقش مردم در فعلیت بخشیدن به همین حاکمیت «ولایت فقیه» روشن نبوده و بکلی فراموش شده است. و بجای آن گفته شده، وظیفه مهم تشخیص این مسئله که در هر زمان چه کسی واجد شرایط ولایت فقیه است، مردم باید کاشف باشند و «کشف» ولی فقیه زمان از میان فقهایی هر عصر را بر عهده مردم نهاده است و آنها را کاشف «ولی فقیه» خوانده است، نه بعنوان منبع مشروعیت بخشیدن به او بلکه کشف اوست. درست مثل زمانی که مقلدین در پی کشف مرجع تقلید واجد شرایط هستند، آن مرجع تقلید پیش از این که مردم به او مراجعه نموده و از او تقلید نمایند، واجد شرایط مرجعیت می شود و مشروعیت مرجعیت او به دلیل شرایطی است که از پیش متعین شده است، نه به دلیل رجوع مردم و تقلید مقلدین بلکه مردم فقط در شناسایی او به عنوان مرجع تقلید زمان نقش دارند و در ایجاد او در صلاحیت و مشروعیت او نقشی ندارند.

در مقابل نظریه «مشروعیت الهی»، عده ای می گویند: حکومت مشروع، حکومتی است که قدرت و حق حکومت کردن را از طریق آرای آزاد مردم کسب کرده باشد. هر گاه، حکومتی، آرای آزاد مردم را نداشته باشد حق حکومت ندارد و فاقد وجاهت قانونی و مشروعیت خواهد بود، این نظریه به عنوان مشروعیت مردمی یا "حاکمیت ملی" شناخته شده است.

جمهوری ملی در مفهوم سیاسی و لغوی خود جز به معنای حاکمیت مردم نیست هر گونه حاکمیت فردی را از سوی شخص یا اشخاص یا مقامات خاص به کلی منتفی و نامشروع می داند و هیچ شخص یا مقامی را جز خود مردم به عنوان حاکم بر امور خود و امور کشور خود نمی پذیرد. همان گونه که در حقوق غربی ها می بینیم، شالوده حکومت چیزی جز قرارداد های اجتماعی نیست و رای اکثریت به هر سمت و سویی برود، حتی اگر حکومت از دید اقلیت، خودکامه باشد، تنها به این دلیل که اکثریت مردم آن را می خواهند، مقبول و مشروع جلوه می کند.

بدیهی است که توافق و تفاهم همه افراد جامعه در انتخاب فردی به عنوان رئیس حکومت، ممکن نخواهد بود، از این رو چاره ای نیست جز این که آرای اکثریت، جایگزین آرای همه افراد کشور بشود. حکومتی که بر اساس رای اکثریت مردم یک جامعه شکل می گیرد «جمهوری» نامیده می شود و نقش مردم در این جمهوری کاملاً روشن و مشخص است یعنی نقش اول را مردم دارند که با اراده مستقیم خود، حاکمیت ملی خود را انتخاب می کنند.

بنا بر نص قرآن، هر کس خود خویش را رهبری می کند. این اصل بیانگر دو حق است، یکی حق استقلال در تصمیم گیری و دیگری حق آزادی عمل در به اجرا گذاشتن تصمیم. انسان باید مستقل باشد تا بتواند در گرفتن تصمیم رأی داشته باشد و باید آزاد باشد در گزینش نوع تصمیمی که گرفته است. حقوق جمعی نیز، متعلق به جمع هستند و جمع می باید اجرای آنها را بعهده بگیرد، طبعاً هر جامعه ای نیز از این دو حق برخوردار است. بنا بر این، تا تصمیم گرفته نشده باشد، اجرائی وجود ندارد و اطاعت از مجری نیز محل عمل پیدا نمی کند.

ولایت فقیه باطل است به این دلیل که استعداد رهبری را نیز تابع قدرت می کند. و انسان را بطور کامل از حق رهبری خود، محروم میکند. ولایت مطلقه فقیه باطل است از جمله به این دلیل که دوحق تصمیم گیری و گزینش نوع تصمیم را از استعداد رهبری انسان جدا می کند و این حکم، حکم مرگ دستجمعی است. بدیهی است مردمی که محکوم به مرگ می شوند، نیاز به «رهبر» پیدا نمی کنند.

همانگونه که گفته شد، در مقابل حقانیت و مشروعیت مردمی و

حاکمیت ملی، مواجه با دیدگاهی می شویم که منشأ مشروعیت خود را در حاکمیت ولایت فقیه دانسته و با این ادعای حکومتی که به خدا منتسب باشد و قدرت خود را از قدرت الهی دریافت کرده باشد قرار میگیریم، دو مسیر متضاد و دو نوع تفکر متعارض و از هم جدا.

با توجه به این مقدمات یک سؤال اساسی به ویژه در ذهن کسانی که به نحوی با مبانی حقوق بشر امروزی آشنایی داشته باشند، مطرح می شود و آن این است که اگر ولایت فقیه، ولایتی آسمانی است و ولایت او از پیش و به طریق «نصب عام» از طرف شارع مشخص شده و نقش مردم تنها به فعلیت رساندن و مقبولیت قانونی دادن به حکومت اوست، آیا این یک اجبار و تحمیل بر اراده بشری نیست؟ اراده بشری که معتقد است، سرنوشت خود را باید خود تدبیر و خود رقم بزند. مگر نه این است که هر کس خود خویش را رهبری می کند. اصلی که بیانگر حقوق هر انسان و هر جامعه ای بطور فطری است از این حق برخوردار است؟ یکی حق استقلال و دیگری حق آزادی انسان است. هر انسانی می باید مستقل باشد تا بتواند تصمیم بگیرد و باید آزاد باشد در گزینش نوع تصمیمی که می گیرد،

اینجاست که نقطه تمایز مهم نظام ولایتی و فقهی با نظام دموکراسی نمایان می شود. در نظام دموکراسی، اراده اکثریت را هر چند به خطا رود حجت می دانند، چون منبعی برای تدبیر امور انسان جز عقل جمعی خود آنها سراغ ندارند.

با توجه به آنچه گفته شد، مشاهده می کنیم، در ایران بیش از سه دهه است که نظامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه حاکمیت را در انحصار خود گرفته است، این نظام ساختار خودش را برای حفظ و نگهداری پایه های قدرت خود شکل و بسط داده است، این دستگاه برای حفظ قدرت از ابزار های گوناگون استفاده کرده و با سیاست سرکوب در درون و ستیز و سازش در بیرون ادامه یافته است و با معجز "حفظ نظام از اوجب واجبات است" از هیچ شیوه و شگردی فرو گذار نکرده است.

به اصطلاح انتخاباتی که در ماههای گذشته برگزار کرد، با بازی اصول گرا، اصلاح طلب و اعتدال، زبان فریب دیگری بکار برد و با مهندسی انتخابات توسط سپاه و بسیج، که قلاب به شرح آن پرداخته شد... هر دم از این باغ بری میرسد، تازه تر از تازه تری می رسد.

حال رئیس جمهور تدبیر و امید که با وعده های رنگی، سرپوشی بر خشم مردم گذاشت، برای تحقق وعده هایش و برای حفظ نظام چه خواهد کرد؟ نگاهی به سخنان او با فرماندهان سپاه پاسداران بمناسبت ۳۱ شهریور نشان از آن دارد که همواره شاخص "ولایت فقیه" و اهرام آن است و نه چیز دیگری.

به گزارش خبرنگار دفاعی خبرگزاری فارس حسن روحانی در جمع فرماندهان سپاه گفت: بنده شایعانی که راجع به سپاه در حوزة اقتصادی مطرح می شود را اصلاً قبول ندارم. سپاه رقیب مردم و بخش خصوصی و مثل پیمانکارهای معمولی نیست. سپاه باید پروژه های بسیار مهمی که بخش خصوصی توان اجرای آن را ندارد بر عهده بگیرد. بنده با فرمانده کل سپاه صحبت کردم که سپاه در چند پروژه ملی بار را بر دوش بگیرد و افتخارش را داشته باشد. در شرایط تحریم سپاه باید وارد عمل شود و سه چهارم پروژه بزرگ ملی را بر عهده بگیرد. زیرا سپاه شرایط کشور و دولت را به خوبی می داند.

او تاکید کرد: آنچه که باعث شده دشمن از سپاه بترسد هواپیما، موشک، زیردریایی، ناوچه، تانک و ادوات سپاه نیست چون اینها را ارتش های دیگر هم کم و بیش دارند آنچه که دشمن از آن می هراسد انگیزه، معنویت، خلوص و اتصال سپاه با خاندان رسالت و اهل بیت (ع) و اتصال جبهه سپاه به جبهه بدر و کربلاست. امروز روز حساس منطقه و ایران است و آن نیرویی که در خط مقدم است و در اولین صف در برابر تمام توطئه ها ایستاده و باید بایستد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. این حرف دل من است.

با توجه به تکیه کلام حسن روحانی "سپاهیان نه تنها پاسدار مرز و بوم کشور، بلکه تا والفاظتون لحدودالله" و فرزندان انقلاب اند که فاصله زمانی با پیروزی انقلاب ندارند" و ...

چگونه است که بزرگترین پروژه های اقتصادی کشور نیز به سپاه سپرده می شود؟ آیا اداره امور کشور همواره در اختیار سپاه باقی خواهد ماند؟

ادامه دارد

پی نوشت ها:

۱- صحیفه ی نور، جلد ۲۰، صص ۱۷۰ و ۱۷۱

۲- قرآن، سوره های بقره، آیه ۲۶۶، آل عمران، آیه ۱۹۰، انفعا، آیه ۹۹، تغابن، آیه ۱۲، فتح، آیه ۱۸ و ...

۳- مهدی حائری یزدی، حکمت و حکومت، انتشارات شادی، لندن، چاپ اول، ۱۹۹۵م. مبحث معماری لاینحل جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، ص ۲۱۷

۴- اصل ۵۷ و اصل ۱۰۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی و در فصل هشتم قانون اساسی (اصول ۱۱۳-۱۰۷) شرایط و اختیارات رهبری با تفصیل ذکر شده است.

۵- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، صص ۳۸۱-۳۸۰

